





مجموعه بیانات
رهبر معظم انقلاب اسلامی
در دیدار با مدیران و اعضای جهاد دانشگاهی
۱۳۶۹ تا ۱۳۹۳

همراه با متن سیاست های کلی
علم و فناوری ، اقتصاد مقاومتی ، تولید ملی ،
حمایت از کار و سرمایه ایرانی
و سیاست های کلی برنامه ششم توسعه کشور



اداره کل روابط عمومی

(رهنمود)
مجموعه بیانات
رهبر معظم انقلاب اسلامی
در دیدار با مدیران و اعضای جهاد دانشگاهی
۱۳۶۹ تا ۱۳۹۳

نوبت چاپ :
ششم - ۱۳۹۶

شمارگان :
۳۰۰۰ نسخه

ناشر :
انتشارات جهاد دانشگاهی

تهیه و تنظیم :
اداره کل روابط عمومی جهاد دانشگاهی

www.acecr.ac.ir



مقدمه	۶
سیاست‌های کلی علم و فناوری (ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری)	۸
سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی (ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری)	۱۱
سیاست‌های کلی تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی (ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری)	۱۵
سیاست‌های کلی صنعت (ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری)	۱۷
سیاست‌های ابلاغی برنامه ششم توسعه کشور	۱۸
بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با اعضای شورای مرکزی جهاد دانشگاهی به مناسبت سالگرد تأسیس این نهاد (۱۳۶۹/۶/۱۱)	۲۷
بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با اعضای جهاد دانشگاهی (۱۳۷۶/۱۰/۸)	۳۲
بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با جمع زیادی از دانشجویان و اعضای جهاد دانشگاهی (۱۳۷۸/۵/۱۴)	۴۳
بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار جمعی از جهادگران علمی کشور (پژوهشگاه رویان) (۱۳۸۲/۶/۱۱)	۴۸
بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با اعضای هیأت علمی و کارشناسان جهاد دانشگاهی (۱۳۸۳/۴/۱)	۵۵
بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در جمع اعضا و مدیران جهاد دانشگاهی در جریان بازدید از پژوهشگاه رویان (۱۳۸۶/۴/۲۵)	۶۸
دیدار رییس، مدیران و محققان جهاد دانشگاهی با رهبر معظم انقلاب اسلامی (۱۳۹۳/۳/۱۹)	۷۸
گزیده بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی درخصوص جهاد دانشگاهی	۸۳



جهاددانشگاهی نهادی است انقلابی و برخاسته از انقلاب فرهنگی که مشروعیت فعالیت‌های گسترده آن، منبعث از جایگاه و رهنمودهای ولی فقیه است؛ شأن چنین اتصالی ایجاب می‌نماید که این نهاد همواره تابع و پیرو خط امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی) باشد. با این نگاه، مجموعه حاضر که مشتمل بر بیانات رهبر گرانقدر انقلاب اسلامی در دیدار با محققان، مدیران و اعضای جهاددانشگاهی طی سال‌های ۱۳۶۹ تا ۱۳۹۳ است، آماده چاپ شد تا هم به عنوان منشور جامع فرهنگ سازمانی، مدیریت جهادی و ارتباطات این نهاد انقلابی مورد بهره‌برداری خانواده بزرگ جهاددانشگاهی در سراسر کشور قرار گیرد و هم پاسخگوی عطش محققانی باشد که علاقمندند به سیر تحول یک مجموعه پیشتاز در منظومه پیشرفت اسلامی - ایرانی دانش بنیان و دیدگاه‌ها و رهنمودهای عالی‌ترین مقام کشور در این باره پردازند.

همچنین با توجه به حوزه‌های مأموریت جهاددانشگاهی، علاوه بر بیاناتی که ذکر آن رفت، متن کامل سیاست‌های کلی علم و فناوری، اقتصاد مقاومتی، تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی، صنعت و نیز سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه ابلاغ شده از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی در مجموعه‌ای که پیش رو دارید گردآوری شد تا به نحو مطلوب مورد استفاده قرار گیرد. برخورد لازم می‌دانیم صمیمانه از همه عزیزانی که در تهیه و تدوین این مجموعه ما را یاری نمودند تشکر و قدردانی نماییم.

اداره کل روابط عمومی

۱۳۹۶



مجموعه بیانات
رهبر معظم انقلاب اسلامی
در دیدار با مدیران و اعضای جبهه دانشگام

سیاست های کلی :

علم و فناوری
اقتصاد مقاومتی
تولید ملی ، حمایت از کار و سرمایه ایرانی
صنعت

سیاست های ابلاغی برنامه ششم توسعه کشور

(نظام آموزش عالی، تحقیقات و فناوری)

ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری

بسم الله الرحمن الرحيم

- ۱- جهاد مستمر علمی با هدف کسب مرجعیت علمی و فناوری در جهان با تأکید بر:
 - ۱-۱- تولید علم و توسعه نوآوری و نظریه پردازی.
 - ۱-۲- ارتقاء جایگاه جهانی کشور در علم و فناوری و تبدیل ایران به قطب علمی و فناوری جهان اسلام.
 - ۱-۳- توسعه علوم پایه و تحقیقات بنیادی.
 - ۱-۴- تحول و ارتقاء علوم انسانی بویژه تعمیق شناخت معارف دینی و مبانی انقلاب اسلامی با: تقویت جایگاه و منزلت این علوم، جذب افراد مستعد و با انگیزه، اصلاح و بازنگری در متون، برنامه ها و روش های آموزشی و ارتقاء کمی و کیفی مراکز و فعالیت های پژوهشی مربوط.
- ۵-۱- دستیابی به علوم و فناوری های پیشرفته با سیاستگذاری و برنامه ریزی ویژه.
- ۲- بهینه سازی عملکرد و ساختار نظام آموزشی و تحقیقاتی کشور به منظور دستیابی به اهداف سند چشم انداز و شکوفایی علمی با تأکید بر:
 - ۲-۱- مدیریت دانش و پژوهش و انسجام بخشی در سیاستگذاری، برنامه ریزی و نظارت راهبردی در حوزه علم و فناوری و ارتقاء مستمر شاخص ها و روزآمدسازی نقشه جامع علمی کشور با توجه به تحولات علمی و فنی در منطقه و جهان.
 - ۲-۲- اصلاح نظام پذیرش دانشجو و توجه ویژه به استعداد و علاقمندی دانشجویان در انتخاب رشته تحصیلی و افزایش ورود دانشجویان به دوره های تحصیلات تکمیلی.
 - ۲-۳- ساماندهی و تقویت نظام های نظارت، ارزیابی، اعتبارسنجی و رتبه بندی در حوزه های علم و فناوری.
 - ۲-۴- ساماندهی نظام ملی آمار و اطلاعات علمی، پژوهشی و فناوری جامع و کارآمد.
 - ۲-۵- حمایت از تأسیس و توسعه شهرک ها و پارک های علم و فناوری.
 - ۲-۶- توزیع عادلانه فرصت ها و امکانات تحصیل و تحقیق در آموزش عالی در سراسر کشور.



- ۷-۲- شناسایی نخبگان، پرورش استعدادهای درخشان و حفظ و جذب سرمایه های انسانی.
- ۸-۲- افزایش بودجه تحقیق و پژوهش به حداقل ۴٪ تولید ناخالص داخلی تا پایان سال ۱۴۰۴ با تأکید بر مصرف بهینه منابع و ارتقاء بهره وری.
- ۳- حاکمیت مبانی، ارزش ها، اخلاق و موازین اسلامی در نظام آموزش عالی، تحقیقات و فناوری و تحقق دانشگاه اسلامی با تأکید بر:
- ۱-۳- اهتمام به نظام تعلیم و تربیت اسلامی و اصل پرورش در کنار آموزش و پژوهش و ارتقاء سلامت روحی و معنوی دانش پژوهان و آگاهی ها و نشاط سیاسی آنان.
- ۲-۳- تربیت اساتید و دانشجویان مؤمن به اسلام، برخوردار از مکارم اخلاقی، عامل به احکام اسلامی، متعهد به انقلاب اسلامی و علاقمند به اعتلای کشور.
- ۳-۳- حفظ موازین اسلامی و ارزش های فرهنگی و اجتماعی در استفاده از علم و فناوری.
- ۴- تقویت عزم ملی و افزایش درک اجتماعی نسبت به اهمیت توسعه علم و فناوری:
- ۱-۴- تقویت و گسترش گفتمان تولید علم و جنبش نرم افزاری در کشور.
- ۲-۴- ارتقاء روحیه نشاط، امید، خودباوری، نوآوری نظام مند، شجاعت علمی و کار جمعی و وجدان کاری.
- ۳-۴- تشکیل کرسی های نظریه پردازی و تقویت فرهنگ کسب و کار دانش بنیان و تبادل آراء و تضارب افکار، آزاداندیشی علمی.
- ۴-۴- ارتقاء منزلت و بهبود معیشت استادان، محققان و دانش پژوهان و اشتغال دانش آموختگان.
- ۵-۴- احیاء تاریخ علمی و فرهنگی مسلمانان و ایران و الگوسازی از مفاخر و چهره های موفق عرصه علم و فناوری.
- ۶-۴- گسترش حمایت های هدفمند مادی و معنوی از نخبگان و نوآوران و فعالیت های عرصه علم و فناوری.
- ۵- ایجاد تحول در ارتباط میان نظام آموزش عالی، تحقیقات و فناوری با سایر بخش ها با تأکید بر:
- ۱-۵- افزایش سهم علم و فناوری در اقتصاد و درآمد ملی، ازدیاد توان ملی و ارتقاء کارآمدی.
- ۲-۵- حمایت مادی و معنوی از فرآیند تبدیل ایده به محصول و افزایش سهم تولید محصولات و خدمات مبتنی بر دانش پیشرفته و فناوری داخلی

- در تولید ناخالص داخلی با هدف دستیابی به سهم ۵۰ درصد.
- ۳-۵- تحکیم و تعمیق پیوند حوزه و دانشگاه و تقویت همکاری های مستمر راهبردی.
- ۴-۵- تنظیم رابطه متقابل تحصیل با اشتغال و متناسب سازی سطوح و رشته های تحصیلی با نقشه جامع علمی کشور و نیازهای تولید و اشتغال.
- ۵-۵- تعیین اولویت ها در آموزش و پژوهش با توجه به مزیت ها، ظرفیت ها و نیازهای کشور و الزامات نیل به جایگاه اول علمی و فناوری در منطقه.
- ۶-۵- حمایت از مالکیت فکری و معنوی و تکمیل زیرساخت ها و قوانین و مقررات مربوط.
- ۷-۵- افزایش نقش و مشارکت بخش های غیردولتی در حوزه علم و فناوری و ارتقاء سهم وقف و امور خیریه در این حوزه.
- ۸-۵- توسعه و تقویت شبکه های ارتباطات ملی و فراملی میان دانشگاه ها، مراکز علمی، دانشمندان و پژوهشگران و بنگاه های توسعه فناوری و نوآوری داخلی و خارجی و گسترش همکاری ها در سطوح دولتی و نهادهای مردمی با اولویت کشورهای اسلامی.
- ۶-۶- گسترش همکاری و تعامل فعال، سازنده و الهام بخش در حوزه علم و فناوری با سایر کشورها و مراکز علمی و فنی معتبر منطقه ای و جهانی بویژه جهان اسلام همراه با تحکیم استقلال کشور، با تأکید بر:
- ۱-۶- توسعه صنایع و خدمات مبتنی بر علوم و فناوری های جدید و حمایت از تولید و صادرات محصولات دانش بنیان و متکی بر فناوری های بومی بویژه در حوزه های دارای مزیت و ظرفیت، با اصلاح امر واردات و صادرات کشور.
- ۲-۶- اهتمام بر انتقال فناوری و کسب دانش طراحی و ساخت برای تولید محصولات در داخل کشور با استفاده از ظرفیت بازار ملی در مصرف کالاهای وارداتی.
- ۳-۶- استفاده از ظرفیت های علمی و فنی ایرانیان مقیم خارج و جذب متخصصان و محققان برجسته سایر کشورها بویژه کشورهای اسلامی حسب نیاز.
- ۴-۶- تبدیل ایران به مرکز ثبت مقالات علمی و جذب نتایج پژوهش های محققان، نخبگان علمی و نوآوران سایر کشورها بویژه جهان اسلام.





(ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری)

بسم الله الرحمن الرحيم

ایران اسلامی با استعدادهای سرشار معنوی و مادی و ذخائر و منابع غنی و متنوع و زیرساخت‌های گسترده و مهم‌تر از همه، برخورداری از نیروی انسانی متعهد و کارآمد و دارای عزم راسخ برای پیشرفت، اگر از الگوی اقتصادی بومی و علمی برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی که همان اقتصاد مقاومتی است، پیروی کند نه تنها بر همه مشکلات اقتصادی فائق می‌آید و دشمن را که با تحمیل یک جنگ اقتصادی تمام عیار در برابر این ملت بزرگ صفا‌آرایی کرده، به شکست و عقب‌نشینی وا می‌دارد، بلکه خواهد توانست در جهانی که مخاطرات و بی‌اطمینانی‌های ناشی از تحولات خارج از اختیار، مانند بحران‌های مالی، اقتصادی، سیاسی و ... در آن رو به افزایش است، با حفظ دستاوردهای کشور در زمینه‌های مختلف و تداوم پیشرفت و تحقق آرمان‌ها و اصول قانون اساسی و سند چشم‌انداز بیست ساله، اقتصاد متکی به دانش و فناوری، عدالت بنیان، درون‌زا و برون‌گرا، پویا و پیشرو را محقق سازد و الگوئی الهام‌بخش از نظام اقتصادی اسلام را عینیت بخشد.

اکنون با مذاقه لازم و پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی که در ادامه و تکمیل سیاست‌های گذشته، خصوصاً سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و با چنین نگاهی تدوین شده و راهبرد حرکت صحیح اقتصاد کشور به سوی این اهداف عالی است، ابلاغ می‌گردد.

لازم است قوای کشور بی‌درنگ و با زمان‌بندی مشخص، اقدام به اجرای آن کنند و با تهیه قوانین و مقررات لازم و تدوین نقشه راه برای عرصه‌های مختلف، زمینه و فرصت مناسب برای نقش‌آفرینی مردم و همه فعالان اقتصادی را در این جهاد مقدس فراهم آورند تا به فضل الهی حماسه اقتصادی ملت بزرگ ایران نیز همچون حماسه سیاسی در برابر چشم جهانیان رخ نماید. از خداوند متعال توفیق همگان را در این امر مهم خواستارم.

سیدعلی خامنه‌ای

۲۹ / بهمن ماه / ۱۳۹۲



(ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری)

بسم الله الرحمن الرحيم

با هدف تأمین رشد پویا و بهبود شاخص های مقاومت اقتصادی و دستیابی به اهداف سند چشم انداز بیست ساله، سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی با رویکردی جهادی، انعطاف پذیر، فرصت ساز، مولد، درونزا، پیشرو و برون گرا ابلاغ می گردد:

۱- تأمین شرایط و فعال سازی کلیه امکانات و منابع مالی و سرمایه های انسانی و علمی کشور به منظور توسعه کارآفرینی و به حداکثر رساندن مشارکت آحاد جامعه در فعالیتهای اقتصادی با تسهیل و تشویق همکاری های جمعی و تأکید بر ارتقاء درآمد و نقش طبقات کم درآمد و متوسط.

۲- پیشتازی اقتصاد دانش بنیان، پیاده سازی و اجرای نقشه جامع علمی کشور و ساماندهی نظام ملی نوآوری به منظور ارتقاء جایگاه جهانی کشور و افزایش سهم تولید و صادرات محصولات و خدمات دانش بنیان و دستیابی به رتبه اول اقتصاد دانش بنیان در منطقه.

۳- محور قرار دادن رشد بهره وری در اقتصاد با تقویت عوامل تولید، توانمندسازی نیروی کار، تقویت رقابت پذیری اقتصاد، ایجاد بستر رقابت بین مناطق و استانها و به کارگیری ظرفیت و قابلیت های متنوع در جغرافیای مزیت های مناطق کشور.

۴- استفاده از ظرفیت اجرای هدفمندسازی یارانه ها در جهت افزایش تولید، اشتغال و بهره وری، کاهش شدت انرژی و ارتقاء شاخص های عدالت اجتماعی.

۵- سهم بری عادلانه عوامل در زنجیره تولید تا مصرف متناسب با نقش آنها در ایجاد ارزش، بویژه با افزایش سهم سرمایه انسانی از طریق ارتقاء آموزش، مهارت، خلاقیت، کارآفرینی و تجربه.

۶- افزایش تولید داخلی نهاده ها و کالاهای اساسی (بویژه در اقلام وارداتی)، و اولویت دادن به تولید محصولات و خدمات راهبردی و ایجاد تنوع در مبادی تأمین کالاهای وارداتی با هدف کاهش وابستگی به کشورهای محدود و خاص.

۷- تأمین امنیت غذا و درمان و ایجاد ذخایر راهبردی با تأکید بر افزایش کمی و کیفی تولید (مواد اولیه و کالا).

۸- مدیریت مصرف با تأکید بر اجرای سیاست های کلی اصلاح الگوی مصرف و ترویج مصرف کالاهای داخلی همراه با برنامه ریزی برای





- ارتقاء کیفیت و رقابت پذیری در تولید.
- ۹- اصلاح و تقویت همه جانبه نظام مالی کشور با هدف پاسخگویی به نیازهای اقتصاد ملی، ایجاد ثبات در اقتصاد ملی و پیشگامی در تقویت بخش واقعی.
- ۱۰- حمایت همه جانبه هدفمند از صادرات کالاها و خدمات به تناسب ارزش افزوده و با خالص ارزآوری مثبت از طریق:
- تسهیل مقررات و گسترش مشوق های لازم.
 - گسترش خدمات تجارت خارجی و ترانزیت و زیرساخت های مورد نیاز.
 - تشویق سرمایه گذاری خارجی برای صادرات.
 - برنامه ریزی تولید ملی متناسب با نیازهای صادراتی، شکل دهی بازارهای جدید، و تنوع بخشی پیوندهای اقتصادی با کشورها به ویژه با کشورهای منطقه.
 - استفاده از ساز و کار مبادلات تهاتری برای تسهیل مبادلات در صورت نیاز.
 - ایجاد ثبات رویه و مقررات در مورد صادرات با هدف گسترش پایدار سهم ایران در بازارهای هدف.
- ۱۱- توسعه حوزه عمل مناطق آزاد و ویژه اقتصادی کشور به منظور انتقال فناوری های پیشرفته، گسترش و تسهیل تولید، صادرات کالا و خدمات و تأمین نیازهای ضروری و منابع مالی از خارج.
- ۱۲- افزایش قدرت مقاومت و کاهش آسیب پذیری اقتصاد کشور از طریق:
- توسعه پیوندهای راهبردی و گسترش همکاری و مشارکت با کشورهای منطقه و جهان بویژه همسایگان.
 - استفاده از دیپلماسی در جهت حمایت از هدف های اقتصادی.
 - استفاده از ظرفیت های سازمان های بین المللی و منطقه ای.
- ۱۳- مقابله با ضربه پذیری درآمد حاصل از صادرات نفت و گاز از طریق:
- انتخاب مشتریان راهبردی.
 - ایجاد تنوع در روش های فروش.
 - مشارکت دادن بخش خصوصی در فروش.
 - افزایش صادرات گاز.
 - افزایش صادرات برق.
 - افزایش صادرات پتروشیمی.
 - افزایش صادرات فرآورده های نفتی.



۱۴- افزایش ذخایر راهبردی نفت و گاز کشور به منظور اثرگذاری در بازار جهانی نفت و گاز و تأکید بر حفظ و توسعه ظرفیت های تولید نفت و گاز، بویژه در میادین مشترک.

۱۵- افزایش ارزش افزوده از طریق تکمیل زنجیره ارزش صنعت نفت و گاز، توسعه تولید کالاهای دارای بازدهی بهینه (براساس شاخص شدت مصرف انرژی) و بالا بردن صادرات برق، محصولات پتروشیمی و فرآورده های نفتی با تأکید بر برداشت صیانتی از منابع.

۱۶- صرفه جویی در هزینه های عمومی کشور با تأکید بر تحول اساسی در ساختارها، منطقی سازی اندازه دولت و حذف دستگاه های موازی و غیرضرور و هزینه های زاید.

۱۷- اصلاح نظام درآمدی دولت با افزایش سهم درآمدهای مالیاتی.

۱۸- افزایش سالانه سهم صندوق توسعه ملی از منابع حاصل از صادرات نفت و گاز تا قطع وابستگی بودجه به نفت.

۱۹- شفاف سازی اقتصاد و سالم سازی آن و جلوگیری از اقدامات، فعالیت ها و زمینه های فسادزا در حوزه های پولی، تجاری، ارزی و ...
۲۰- تقویت فرهنگ جهادی در ایجاد ارزش افزوده، تولید ثروت، بهره وری، کارآفرینی، سرمایه گذاری و اشتغال مولد و اعطای نشان اقتصاد مقاومتی به اشخاص دارای خدمات برجسته در این زمینه.

۲۱- تبیین ابعاد اقتصاد مقاومتی و گفتمان سازی آن بویژه در محیط های علمی، آموزشی و رسانه ای و تبدیل آن به گفتمان فراگیر و رایج ملی.

۲۲- دولت مکلف است برای تحقق سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی با هماهنگ سازی و بسیج پویای همه امکانات کشور، اقدامات زیر را معمول دارد:
- شناسایی و بکارگیری ظرفیت های علمی، فنی و اقتصادی برای دسترسی به توان آفندی و اقدامات مناسب.

- رصد برنامه های تحریم و افزایش هزینه برای دشمن.

- مدیریت مخاطرات اقتصادی از طریق تهیه طرح های واکنش هوشمند، فعال، سریع و به هنگام در برابر مخاطرات و اختلال های داخلی و خارجی.
۲۳- شفاف و روان سازی نظام توزیع و قیمت گذاری و روزآمدسازی شیوه های نظارت بر بازار.

۲۴- افزایش پوشش استاندارد برای کلیه محصولات داخلی و ترویج آن»





سیاست های کلی تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی

(ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری)

بسم الله الرحمن الرحيم

- ۱- بالا بردن قدرت رقابت و افزایش بهره وری عوامل تولید با:
 - اصلاح و بازسازی ساختار تولید ملی
 - کاهش هزینه ها و بهبود کیفیت تولید
 - اتخاذ انواع تدابیر تشویقی و تنبیهی
 - بهینه سازی تعامل عوامل تولید
- ۲- هدایت و تقویت تحقیق و توسعه و نوآوری ها و زیربناهای آنها و بهره گیری از آنها، با هدف:
 - ارتقاء کیفی و افزایش کمی تولید ملی
 - بالا بردن درجه ساخت داخل تا محصول نهایی
 - حمایت از تجاری سازی فناوری محصول و بهره گیری از جذب و انتقال دانش فنی و فناوری های روز و ایجاد نظام ملی نوآوری
- ۳- گسترش اقتصاد دانش بنیان با تأکید بر توسعه مؤلفه های اصلی آن، از جمله: زیر ساخت های ارتباطی، زمینه های تسهیل تبدیل دستاوردهای پژوهش به فناوری و گسترش کاربرد آن، حمایت قانونی از حقوق اشخاص حقیقی و حقوقی و مرتبط کردن بخشهای علمی و پژوهشی با بخشهای تولیدی کشور.
- ۴- حمایت از تولید محصولات با ماهیت راهبردی مورد نیاز مصارف عمومی یا بخش تولید کشور.
- ۵- تکمیل زنجیره تولید از مواد خام تا محصولات نهایی با رعایت اصل رقابت پذیری و فاصله گرفتن از خام فروشی در بازه زمانی معین.
- ۶- حمایت از تولید محصولاتی که عرضه رقابتی آنها با خالص ارز آوری مثبت یا خالص ارزشبری منفی همراه باشد.
- ۷- مدیریت منابع ارزی با تأکید بر تأمین نیازهای تولید ملی و کارآفرینی، و ثبات ارزش پول ملی.
- ۸- بهبود فضای کسب و کار با هدف افزایش تولید ملی و اصلاح زمینه های فرهنگی، قانونی، اجرایی و اداری.
- ۹- افزایش سهم بخشهای تعاونی و خصوصی در تولید ملی از طریق:
 - تقویت انگیزه و عزم ملی و تأکید و تسریع در اجرای کامل سیاست های کلی اصل ۴۴، رعایت انضباط مالی و بودجه ای دولت
 - رفع تبعیض بین بخش دولتی و بخش های خصوصی و تعاونی



سیاست های کلی تولید ملی ، حمایت از کار و سرمایه ایرانی

- ساماندهی و حمایت از بنگاههای کوچک و متوسط در جهت کارآمدسازی آنها
- ۱۰- تنظیم نقش نهادهای عمومی غیر دولتی اقتصادی در جهت تولید ملی.
- ۱۱- شفاف سازی و به هنگام سازی آمار و اطلاعات و تسهیل دسترسی به آن و اطلاع رسانی در مورد ابعاد و فرصت های سرمایه گذاران و سرمایه گذاری در رشته های مختلف و مقابله جدی با استفاده از هر گونه دسترسی اطلاعاتی ویژه.
- ۱۲- توانمند سازی و ارتقاء بهره وری نیروی کار با افزایش انگیزه، مهارت و خلاقیت و ایجاد تناسب بین مراکز آموزشی و پژوهشی با نیازهای بازار کار.
- ۱۳- بستر سازی و ساماندهی اشتغال و حرکت نیروی کار ایرانی در سطح ملی، منطقه ای و جهانی.
- ۱۴- ارتقاء سرمایه های انسانی، طبیعی، اجتماعی و فیزیکی با تأکید بر توسعه نهادهای مردمی برای رشد تولید ملی.
- ۱۵- توسعه فرهنگ حمایت از سرمایه، کار، کالاها و خدمات ایرانی و استفاده از نظرات متخصصان و صاحب نظران در تصمیمات اقتصادی.
- ۱۶- جلوگیری از اتلاف و راکد ماندن سرمایه های فیزیکی و انسانی ایرانی با تأکید بر ایجاد و توسعه خدمات فنی و مشاوره ای فرا بنگاهی و ارتقاء بازده اقتصادی این سرمایه ها در بخش های مختلف اقتصادی.
- ۱۷- گسترش تنوع ابزارهای سرمایه گذاری در بازار سرمایه و تکمیل ساختارهای آن و اعمال سیاست های تشویقی برای حضور عموم مردم و سرمایه گذاران داخلی و بین المللی بویژه منطقه ای در بازار سرمایه.
- ۱۸- حمایت از محققان و سرمایه گذاران و تشویق ورود سرمایه های ایرانی به حوزه های سرمایه گذاری خطرپذیر متضمن تحقیق و توسعه با تأسیس صندوق های شراکت یا ضمانت برای سرمایه گذاری در این حوزه.
- ۱۹- کارآمد سازی مدیریت منابع موجود در صندوق توسعه ملی در جهت بهینه سازی و هم افزایی ظرفیتهای تولیدی و ارتقاء کیفی کار و سرمایه ایرانی.
- ۲۰- تنقیح و اصلاح قوانین و مقررات (از جمله اصلاح قانون پولی و بانکی، تأمین اجتماعی و مالیات ها) برای تسهیل فعالیت در بخش های تولیدی و رفع موانع سرمایه گذاری در سطح ملی با رویکرد ثبات نسبی در قوانین.
- ۲۱- کارآمد کردن نظام توزیع کالاها و خدمات با استفاده از ساز و کار شفاف سازی و اطلاع رسانی و کاهش واسطه های غیر ضرور و ناکارآمد.
- ۲۲- گسترش منابع مالی و کارآمد سازی مدیریت آن در جهت افزایش ظرفیت تولید ملی و کاهش هزینه های تأمین مالی مورد نیاز بویژه با ساماندهی، گسترش و حمایت از نهادهای مالی توسعه ای و بیمه ای.
- ۲۳- جلوگیری از ایجاد انحصار در چرخه تولید و تجارت تا مصرف.



سیاست های کلی صنعت

(ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری)

بسم الله الرحمن الرحيم

دراجرای بند یک اصل ۱۱۰ قانون اساسی و پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام، سیاست های کلی «صنعت» به شرح ذیل از سوی معظم له مصوب و ابلاغ گردید:

سیاست های کلی صنعت

۱- افزایش سهم بخش صنعت در تولید داخلی و افزایش ارزش افزوده بخش صنعت، با :

- دستیابی به رشد مطلوب سرمایه گذاری صنعتی

- انتخاب فرآیندهای صنعتی دانش محور

- ارتقاء منزلت کار، تلاش و کارآفرینی.

۲- افزایش توان رقابت پذیری صنعت ملی، براساس :

- گسترش مالکیت و مدیریت بخش غیردولتی

- رعایت اندازه اقتصادی بنگاه ها

- لغو امتیازات خاص و انحصارات غیر ضرور.

۳- افزایش بهره وری عوامل تولید بویژه نیروی کار و سرمایه

۴- ارتقاء سطح فناوری صنایع کشور و دستیابی به فناوری های پیشرفته و راهبردی، با :

- گسترش تحقیق و توسعه- ایجاد قدرت طراحی

- تقویت همکاری مراکز علمی، آموزشی، پژوهشی و صنعتی کشور

- تعامل سازنده با مراکز پیشرفته علمی و صنعتی جهان

- بهره گیری از مزیت های نسبی موجود و کشف و آفرینش مزیت های جدید نسبی و رقابتی

۵- توسعه تشکلهای تخصصی و افزایش نقش آنها در تصمیم سازی ها با نهادینه سازی دآوری های تخصصی و حرفه ای.

۶- انسجام و تعادل منطقه ای در کشور، از طریق : حمایت و ایجاد زیر ساخت ها و زیربناهای و برقراری مشوق های مناسب با رعایت اصول آمایش سرزمینی و امنیتی.

۷- رشد مستمر صادرات کالا و خدمات صنعتی کشور، با:

- ارتقاء کیفیت کالاها

- شناسایی و تحصیل بازار



سیاست های کلی صنعت

- حمایت های مؤثر مالی، سیاسی و مقرراتی از صادرات صنعتی.
- ۸- گسترش صنایع دستی بویژه صنایع دارای محتوای فرهنگی و هنری و بهره گیری از صنعت گردشگری.
- ۹- ایجاد خوشه های صنعتی، از طریق: تقویت صنایع کوچک و متوسط و برقراری پیوند آنها با صنایع بزرگ به منظور هم افزایی صنعت و ارتقاء توان رقابتی.

سیاست های ابلاغی برنامه ششم توسعه کشور

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقای دکتر روحانی - رئیس جمهور محترم
با سلام و تحیت،

اینک که در آستانه‌ی ماه‌های آغازین دهه دهم چشم‌انداز ۲۰ ساله‌ی کشور قرار داریم، سیاست‌های کلی برنامه پنج‌ساله ششم توسعه ابلاغ می‌گردد. این مجموعه پس از بررسی‌های فراوان و مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام و بر پایه‌ی محورهای سه‌گانه‌ی «اقتصاد مقاومتی»، «پشتتازی در عرصه‌ی علم و فناوری» و «تعالی و مقاوم‌سازی فرهنگی» تنظیم شده است.

اتکاء بر توانایی‌های انسانی و طبیعی و امکانات داخلی و فرصت‌های وسیع برآمده از زیرساخت‌های موجود در کشور و بهره‌گیری از مدیریت جهادی و روحیه‌ی انقلابی و تکیه بر اولویت‌های اساسی آمده در سیاست‌های کلی: «اصل ۴۴»، «اقتصاد مقاومتی»، «علم و فناوری»، «نظام اداری» و «جمعیت» و از همه بالاتر توکل به قدرت لایزال الهی می‌تواند ما را به رغم تمایل و اراده دشمنان عنود، با تحقق اهداف برنامه ششم در ارائه‌ی الگویی برآمده از تفکر اسلامی در زمینه‌ی پیشرفت، که بکلی مستقل از نظام سرمایه‌داری جهانی است، یاری رساند.

در تدوین این سیاست‌ها تلاش شده است با در نظر گرفتن واقعیت‌های موجود در صحنه‌ی داخلی و خارجی، مجموعه‌ای به عنوان سیاست‌های کلی که مبنای تنظیم قانون پنج‌ساله‌ی ششم خواهد بود، تعیین شود که در یک دوره‌ی پنج‌ساله کاملاً دست یافتنی باشد.

مراقبت و دقت نظر جناب عالی و سایر مسؤولان در قوای سه‌گانه و





نظارت مجمع تشخیص مصلحت نظام، اطمینان لازم را برای حسن اجرای این سیاست‌ها در مراحل تنظیم و اجرای برنامه، تأمین خواهد کرد. لازم است قدردانی خود را از تلاش‌های مجمع تشخیص مصلحت نظام، هیأت دولت، دبیرخانه‌ی مجمع و کارشناسان فعال و همکار در این مجموعه‌ها و سایر دست‌اندرکاران تنظیم و تدوین این سیاست‌ها در روند جدید، ابراز دارم.

نسخه‌ای از این سیاست‌ها همزمان برای مجلس شورای اسلامی و مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال می‌گردد.

سیدعلی خامنه‌ای

۹/ تیر ماه / ۱۳۹۴

متن کامل سیاست‌های ابلاغی برنامه ششم توسعه کشور

- امور اقتصادی

۱- رشد اقتصادی شتابان و پایدار و اشتغال‌زا به گونه‌ای که با بسیج همه امکانات و ظرفیت‌های کشور، متوسط رشد ۸ درصد در طول برنامه محقق شود.

۲- بهبود مستمر فضای کسب و کار و تقویت ساختار رقابتی و رقابت‌پذیری بازارها.

۳- مشارکت و بهره‌گیری مناسب از ظرفیت نهادهای عمومی غیردولتی با ایفای نقش ملی و فراملی آنها در تحقق اقتصاد مقاومتی.

۴- توسعه پیوندهای اقتصادی و تجاری متقابل و شبکه‌ای کشور بویژه با کشورهای منطقه آسیای جنوب غربی، تبدیل شدن به قطب تجاری و ترانزیتی و انعقاد پیمان‌های پولی دو و چند جانبه با کشورهای طرف تجارت در چارچوب بندهای ۱۰، ۱۱ و ۱۲ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی.

۵- گسترش و تعمیق نظام جامع تأمین مالی و ابزارهای آن (بازار پول، بازار سرمایه و بیمه‌ها) با مشارکت اشخاص حقیقی و حقوقی داخلی و خارجی و افزایش سهم مؤثر بازار سرمایه در جهت توسعه سرمایه‌گذاری و ثبات و پایداری و کاهش خطرپذیری فعالیت‌های تجاری و اقتصادی کشور با تأکید بر ارتقاء شفافیت و سلامت نظام مالی.

۶- تأمین مالی فعالیت‌های خرد و متوسط به وسیله نظام بانکی.

۷- ارتقاء کیفی و کمی نظام جامع صنعت بیمه و ابزارهای آن (بازارهای



رقابتی، بیمه اتکایی و...) با مشارکت اشخاص حقیقی و حقوقی داخلی و خارجی به منظور توسعه سرمایه گذاری و ثبات و پایداری و کاهش خطرپذیری فعالیت های تجاری و اقتصادی کشور.

۸- جذب سرمایه ایرانیان خارج از کشور و سرمایه گذاران خارجی با ایجاد انگیزه و مشوق های لازم.

۹- اعمال نظارت کامل و فراگیر بانک مرکزی بر بازار و مؤسسات پولی، بانکی و اعتباری و ساماندهی مؤسسات و بازارهای غیرمتشکل پولی و مالی در جهت ارتقاء شفافیت و سلامت و کاهش نسبت مطالبات غیرجاری به تسهیلات.

۱۰- تغییر نگاه به نفت و گاز و درآمدهای حاصل از آن، از منبع تأمین بودجه عمومی به «منابع و سرمایه های زاینده اقتصادی» و دائمی شدن اساسنامه صندوق توسعه ملی با تنفیذ اساسنامه موجود و واریز سالانه ۳۰ درصد از منابع حاصل از صادرات نفت و میعانات گازی و خالص صادرات گاز به صندوق توسعه ملی و افزایش حداقل ۲ واحد درصد سالیانه به آن.

۱-۱۰- استقلال مدیریت حساب ها از بانک مرکزی.

۲-۱۰- ارائه تسهیلات از منابع صندوق توسعه ملی به بخش های غیردولتی به صورت ارزی.

۳-۱۰- استقلال مصارف صندوق توسعه ملی از تکالیف بودجه ای و قوانین عادی.

۴-۱۰- سپرده گذاری ارزی حداکثر ۲۰ درصد از منابع ورودی صندوق، نزد بانک های عامل در قبال اخذ خط اعتباری ریالی از بانک های مذکور برای ارائه تسهیلات ریالی به بخش کشاورزی، صنایع کوچک و متوسط و تعاونی با معرفی صندوق توسعه ملی.

۱۱- تکمیل زنجیره ارزش صنعت نفت و گاز و کاهش شدت انرژی.

۱۲- حمایت از تأسیس شرکت های غیردولتی برای سرمایه گذاری در فعالیت های اکتشاف (نه مالکیت)، بهره برداری و توسعه میادین نفت و گاز کشور بویژه میادین مشترک در چارچوب سیاست های کلی اصل ۴۴.

۱۳- افزایش سهم انرژی های تجدیدپذیر و نوین و گسترش نیروگاه های پراکنده و کوچک مقیاس.

۱۴- تحقق کامل هدفمندسازی یارانه ها در جهت افزایش تولید، اشتغال و بهره وری، کاهش شدت انرژی و ارتقاء شاخص های عدالت اجتماعی.

۱۵- واگذاری طرح های جمع آوری، مهار، کنترل و بهره برداری از گاز های همراه تولید در کلیه میادین نفت و تأسیسات صنعت نفت به مردم.





۱۶- افزایش ارزش افزوده از طریق تکمیل زنجیره ارزش صنعت نفت و گاز و توسعه تولید کالاهای دارای بازدهی بهینه (براساس شاخص شدت مصرف انرژی).

۱۷- دانش بنیان نمودن صنایع بالادستی و پایین دستی نفت و گاز با تأسیس و تقویت شرکت های دانش بنیان برای طراحی، مهندسی، ساخت، نصب تجهیزات و انتقال فناوری به منظور افزایش خودکفایی.

۱۸- افزایش مستمر ضریب بازیافت و برداشت نهایی از مخازن و چاه های نفت و گاز.

۱۹- تقسیم کار و تعیین نقش ملی در مناطق، استان ها، نواحی و سواحل و جزایر کشور با رعایت الزامات آن در چارچوب سیاست های کلی مربوط، به منظور افزایش تولید ثروت ملی و حمایت دولت از سرمایه گذاری در مناطق کمتر توسعه یافته و روستایی.

۲۰- اتخاذ برنامه ها و اقدامات اجرایی جهت توسعه روستایی کشور برای تثبیت جمعیت و تشویق مهاجرت به مناطق روستایی و عشایری (کانون تولید و ارزش آفرینی) با برنامه ریزی و مدیریت بهینه در سطح ملی، منطقه ای و محلی، تعیین سهم واقعی در توزیع منابع و ارتقاء شأن و منزلت اجتماعی، ایجاد فرصت های جدید اقتصادی و حمایت های ویژه از فعالیت های کارآفرینی و اشتغال زایی مزیت دار بومی و مقاومت سازی تأسیسات و زیرساخت ها و اماکن روستایی با تأکید بر بند ۹ سیاست های کلی کشاورزی.

۲۱- توسعه اقتصاد دریایی جنوب کشور در محور چابهار - خرمشهر با تأکید بر سواحل مکران.

۲۲- برنامه ریزی برای دستیابی به ضریب جینی ۰/۴۳.

۲۳- توسعه بازارهای دریایی و ایجاد مناطق مهم اقتصادی در زمینه های دارای مزیت.

۲۴- اولویت بخش ریلی در توسعه حمل و نقل و ایجاد مزیت رقابتی برای آن.

۲۵- توسعه حمل و نقل ریلی باری با اولویت تجهیز شبکه و پایانه های باری و اتصال شبکه به مراکز بزرگ اقتصادی، تجاری و صنعتی و مبادی ورودی و خروجی مهم کشور و شبکه های ریلی منطقه ای و جهانی بویژه کریدور شمال - جنوب با هدف توسعه صادرات و ترانزیت بار.

۲۶- افزایش نرخ رشد ارزش افزوده بخش های صنعت، معدن و صنایع معدنی و افزایش صادرات محصولات آن با اجرای سیاست های کلی صنعت و معدن.



۲۷- دانش بنیان نمودن شیوه تولید و محصولات صنعتی و خدمات وابسته به آن، نشان سازی تجاری و تقویت حضور در بازارهای منطقه و جهان.
۲۸- اولویت دادن به حوزه های راهبردی صنعتی (از قبیل صنایع نفت، گاز، پتروشیمی، حمل و نقل، مواد پیشرفته، ساختمان، فناوری اطلاعات و ارتباطات، هوافضا، دریا، آب و کشاورزی) و افزایش ضریب نفوذ فناوری های پیشرفته در آنها.

۲۹- اولویت دادن به تأمین مواد مورد نیاز صنایع داخلی کشور با تأکید بر تکمیل ظرفیت زنجیره ارزش افزوده مواد معدنی و اجرای بند ۳ سیاست های کلی معدن.

۳۰- تدوین و اجرای سند جامع و نقشه راه تحول نظام استاندارسازی کشور و مدیریت کیفیت.

۳۱- استقرار نظام جامع و کارآمد آمار و اطلاعات کشور.

- امور فناوری اطلاعات و ارتباطات

۳۲- کسب جایگاه برتر منطقه در توسعه دولت الکترونیک در بستر شبکه ملی اطلاعات.

۳۳- توسعه محتوا در فضای مجازی براساس نقشه مهندسی فرهنگی کشور تا حداقل پنج برابر وضعیت کنونی و بومی سازی شبکه های اجتماعی.

۳۴- ایجاد، تکمیل و توسعه شبکه ملی اطلاعات و تأمین امنیت آن، تسلط بر دروازه های ورودی و خروجی فضای مجازی و پالایش هوشمند آن و ساماندهی، احراز هویت و تحول در شاخص ترافیکی شبکه به طوری که ۵۰ درصد آن داخلی باشد.

۳۵- بهره گیری از موقعیت ممتاز کشور با هدف تبدیل ایران به مرکز تبادلات پستی و ترافیکی ارتباطات و اطلاعات منطقه و گسترش حضور در بازارهای بین المللی.

۳۶- حضور مؤثر و هدفمند در تعاملات بین المللی فضای مجازی.

۳۷- افزایش سهم سرمایه گذاری زیرساختی در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات تا رسیدن به سطح کشورهای برتر منطقه.

۳۸- توسعه فناوری فضایی با طراحی، ساخت، آزمون، پرتاب و بهره برداری از سامانه های فضایی و حفظ و بهره برداری حداکثری از نقاط مداری کشور.

- امور اجتماعی

۳۹- ارتقاء سلامت اداری و اقتصادی و مبارزه با فساد در این عرصه با تدوین راهبرد ملی مبارزه با فساد و تصویب قوانین مربوط.

۴۰- استقرار نظام جامع، یکپارچه، شفاف، کارآمد و چند لایه تأمین



اجتماعی کشور.

۴۱- توانمندسازی و خوداتکائی اقشار و گروه های محروم در برنامه های مربوط به رفاه و تأمین اجتماعی.

۴۲- ارتقاء کیفیت و اصلاح ساختار بیمه های تأمین اجتماعی پایه (شامل بیمه درمان، بازنشستگی، ازکارافتادگی و...) برای آحاد مردم.

۴۳- اجرای سیاست های کلی سلامت با تصویب قوانین و مقررات لازم با تأکید بر:

۱-۴۳- تهیه پیوست سلامت برای قوانین مرتبط و طرح های کلان توسعه ای.

۲-۴۳- اصلاح ساختار نظام سلامت براساس بند ۷ سیاست های کلی سلامت.

۳-۴۳- تأمین منابع مالی پایدار برای بخش سلامت و توسعه کمی و کیفی بیمه های سلامت.

۴-۴۳- افزایش و بهبود کیفیت و ایمنی خدمات و مراقبت های جامع و یکپارچه سلامت در قالب شبکه بهداشتی و درمانی منطبق بر نظام سطح بندی و ارجاع.

۴۴- توسعه تربیت بدنی و ورزش همگانی.

۴۵- فرهنگ سازی و ایجاد زمینه ها و ترتیبات لازم برای تحقق سیاست های کلی جمعیت.

۴۶- تقویت نهاد خانواده و جایگاه زن در آن و استیفای حقوق شرعی و قانونی بانوان در همه عرصه ها و توجه ویژه به نقش سازنده آنان.

۴۷- اولویت دادن به ایثارگران انقلاب اسلامی در تسهیلات مالی و فرصت ها و امکانات و مسؤولیت های دولتی در صحنه های مختلف فرهنگی و اقتصاد

۴۸- هویت بخشی به سیمای شهر و روستا و بازآفرینی و روزآمدسازی معماری اسلامی - ایرانی.

۴۹- سامان بخشی مناطق حاشیه نشین و پیشگیری و کنترل ناهنجاری های عمومی ناشی از آن.

۵۰- توسعه پایدار صنعت ایرانگردی به گونه ای که ایرانگردهای خارجی تا پایان برنامه ششم به حداقل پنج برابر افزایش یابد.

۵۱- حمایت از صنایع دستی و صیانت از میراث فرهنگی کشور.

- امور دفاعی و امنیتی

۵۲- افزایش توان دفاعی در تراز قدرت منطقه ای در جهت تأمین منافع



و امنیت ملی با تخصیص حداقل ۵ درصد بودجه عمومی کشور برای
بنيه دفاعی.

۵۳- ارتقاء توان بازدارندگی کشور با:

۱-۵۳- توسعه توان موشکی و فناوری‌ها و ظرفیت تولید سلاح‌ها و
تجهیزات عمده دفاعی برترساز با توان بازدارندگی و متناسب با انواع
تهدیدات.

۲-۵۳- گسترش هوشمندانه و مصون‌سازی پدافند غیرعامل با اجرای
کامل پدافند غیرعامل در مراکز حیاتی و حساس کشور.

۳-۵۳- افزایش ظرفیت‌های قدرت نرم و دفاع سایبری و تأمین پدافند و امنیت
سایبری برای زیرساخت‌های کشور در چارچوب سیاست‌های کلی مصوب.

۴-۵۵- تقویت کمی و کیفی بسیج مستضعفان.

۵-۵۵- تأمین امنیت پایدار مناطق مرزی با انسداد کامل نرم‌افزاری و
سخت‌افزاری، توسعه و تقویت یگان‌های مرزبانی، مشارکت‌دهی
مرزنشینان در طرح‌های امنیتی، توسعه فعالیت‌های اطلاعاتی و تقویت
دیپلماسی مرزی.

۶-۵۶- برنامه‌ریزی برای کاهش جرم و جنایت با هدف کاهش ۱۰ درصدی
سالانه مصادیق مهم آن.

۷-۵۷- مبارزه همه جانبه با مواد مخدر و روانگردان‌ها در چارچوب
سیاست‌های کلی ابلاغی و مدیریت مصرف با هدف کاهش ۲۵ درصدی
اعتیاد تا پایان برنامه.

۸-۵۸- پیشگیری و مقابله با قاچاق کالا و ارز از مبادی ورودی تا محل عرضه
آن در بازار.

- امور سیاست خارجی

۹-۵۹- حفظ و افزودن بر دستاوردهای سیاسی جمهوری اسلامی در منطقه
آسیای جنوب غربی.

۱۰-۶۰- اولویت دادن به دیپلماسی اقتصادی با هدف توسعه سرمایه‌گذاری
خارجی، ورود به بازارهای جهانی و دستیابی به فناوری برای تحقق
اهداف اقتصاد مقاومتی و سند چشم‌انداز.

۱۱-۶۱- توسعه کمی و کیفی رسانه‌های فرامرزی با زبان‌های رایج بین‌المللی.

۱۲-۶۲- ایجاد زمینه‌های لازم در جهت جلب سرمایه و توان علمی و تخصصی
ایرانیان خارج از کشور در توسعه ملی و تأثیر بر سیاست‌های نظام سلطه
در دفاع از منافع ملی.

۱۳-۶۳- بهره‌گیری حداکثری از روش‌ها و ابزارهای دیپلماسی نوین و عمومی.





- امور حقوقی و قضایی

۶۴- بازنگری در قوانین جزایی به منظور کاستن از محکومیت به حبس و تبدیل آن به مجازات های دیگر و متناسب سازی مجازات ها با جرایم.

۶۵- بهبود بخشیدن به وضعیت زندان ها و بازداشتگاه ها.

۶۶- حمایت قضائی مؤثر در تضمین حقوق مالکیت و استحکام قراردادها به منظور توسعه سرمایه گذاری بخش خصوصی و سرمایه گذاری خارجی.

۶۷- توسعه ثبت رسمی اسناد و املاک و مالکیت های معنوی و ثبت رسمی مالکیت های دولت و مردم بر املاک و اراضی کشور در نظام کاداستر و گسترش فناوری های نوین در ارائه خدمات ثبتی.

- امور فرهنگی

۶۸- تلاش شایسته برای تبیین ارزش های انقلاب اسلامی و دفاع مقدس و دستاوردهای جمهوری اسلامی.

۶۹- ارائه و ترویج سبک زندگی اسلامی - ایرانی و فرهنگ سازی درباره اصلاح الگوی مصرف و سیاست های اقتصاد مقاومتی.

۷۰- اجرای نقشه مهندسی فرهنگی کشور و تهیه پیوست فرهنگی برای طرح های مهم.

۷۱- حمایت مادی و معنوی از هنرمندان، نوآوران، محققان و تولیدکنندگان آثار و محصولات فرهنگی و هنری مقوم اخلاق، فرهنگ و هویت اسلامی - ایرانی.

۷۲- حضور مؤثر نهادهای فرهنگی دولتی و مردمی در فضای مجازی به منظور توسعه و ترویج فرهنگ، مفاهیم و هویت اسلامی - ایرانی و مقابله با تهدیدات.

۷۳- توجه ویژه به توسعه و تجلی مفاهیم، نمادها و شاخص های هویت اسلامی - ایرانی در ساختارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور.

- امور علم، فناوری و نوآوری

۷۴- دستیابی به رتبه اول منطقه در علم و فناوری و تثبیت آن با اهتمام به تحقق سیاست های کلی علم و فناوری.

۷۵- اجرای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و تأکید بر دوران تحصیلی کودکی و نوجوانی.

۷۶- افزایش سهم آموزش های مهارتی در نظام آموزشی کشور.

۷۷- توسعه علوم پایه و تحقیقات بنیادی، نظریه پردازی و نوآوری در چارچوب سیاست های کلی علم و فناوری و نقشه جامع علمی کشور.

۷۷-۱- ساماندهی نظام ملی آمار و اطلاعات علمی، پژوهشی و فناوری جامع و کارآمد.



۷۷-۲- تحول و ارتقاء علوم انسانی بویژه تعمیق شناخت معارف دینی و مبانی انقلاب اسلامی.

۷۸- تنظیم رابطه متقابل تحصیل با اشتغال و متناسب سازی سطوح و رشته های تحصیلی با نقشه جامع علمی کشور و نیازهای تولید و اشتغال.

۷۹- گسترش همکاری و تعامل فعال، سازنده و الهام بخش در حوزه علم و فناوری با سایر کشورها و مراکز علمی و فنی معتبر منطقه ای و جهانی بویژه جهان اسلام و توسعه تجارت و صادرات محصولات دانش بنیان.

۸۰- توسعه و ساماندهی نظام ملی نوآوری و حمایت از پژوهش های مسأله محور و تجاری سازی پژوهش و نوآوری، و توسعه نظام جامع تأمین مالی در جهت پاسخ به نیاز اقتصاد دانش بنیان.





مجموعه بیانات
رهبر معظم انقلاب اسلامی
در دیدار با مدیران و اعضای جهاد دانشگاهی

بیانات
در دیدار با اعضای شورای
مرکزی جهاد دانشگاهی به
مناسبت سالگرد تاسیس
این نهاد
۱۱ شهریور ماه ۱۳۶۹



بسم الله الرحمن الرحيم

در ابتدا، به برادران عزیز خوشامد عرض می‌کنم و از این‌که شما برادران در این مجموعه هستید، احساس اطمینان و خوشوقتی می‌کنم. همان‌طور که برادر عزیزمان آقای رحمتی^۱ گفتند، واقعاً همین‌طور بود. همیشه در این چند سالی که ما با ایشان و آقای واعظ زاده، انس کاری داشتیم، از این دو برادر بسیار عزیز، جز فکر مستقیم و انگیزه‌ی درمندان و هوشمندی در شناخت مسائل و تشخیص آنها و ارایه‌ی راه حل، چیزی ندیدیم. این، به معنای تأیید نوع نظرات در هر مسأله‌ای نیست. طبیعی است که ممکن است کسی در مسأله‌ای، نظری داشته باشد و دیگری، نظر دیگری ارایه کند؛ بلکه ناظر به کلیت سبک فکر و طرز بینش این برادران نسبت به مسائل دانشگاه و دانشجویان است. هم آقای واعظ زاده که از طرف شورای عالی مأموریت پیدا کرده بودند و رئیس شورای جهاد بودند؛ هم حالا که آقای رحمتی هستند، حقیقتاً من احساس خوشحالی می‌کردم و الآن هم خوشحالم. خدا را شکر می‌کنیم که آقای رحمتی، به این مسؤولیت مشغول هستند. کار خوب و مسؤول خوبی است. برادران دیگر هم که الحمدلله سوابق کاری و فرهنگی شان، مشخص و روشن است. اما خود جهاد دانشگاهی. من می‌خواستم نکته‌ای را بیان بکنم. این نکته، در ذهنم بود که الحمدلله آقای رحمتی، درست روی همان نکته تکیه کردند. من همین را می‌خواهم بگویم. می‌خواهم عرض بکنم که مسؤولیت جهاد دانشگاهی، بالاتر از آن چیزی است که حتی به عنوان وظیفه‌ی جهاد دانشگاهی - یعنی تحقیقات و کار فرهنگی - معین شده است. جهاد دانشگاهی می‌تواند آن دستگاهی باشد که این موج جوان تحصیل‌کن دانشجوی کشور را در داخل دانشگاه‌ها هدایت کند و اینها را به پختگی و کمال لازم برساند. دستگاه رسمی دولتی و یا وزارت، هرچه هم که از لحاظ مدیران و مسؤولان، مورد پسند و قبول باشد، باز جهاد دانشگاهی، یک حالت خودمانی‌تر و صمیمی‌تری نسبت به این قضیه دارد و ترکیب جوانتری است و اساساً گویا بنا شده، برای همین که با دانشجویان ارتباط داشته باشد، از دانشجویان باشد، به آنها بپردازد، از زبان آنها حرف بزند و به آنها توصیه بکند. مسأله‌اش، مسأله‌ی دانشجویان است و این کار، از عهده‌ی جهاد دانشگاهی، بیشتر و بهتر برمی‌آید.

حقیقت این است که ما در دانشگاه‌هایمان، ابزار و وسایل لازم برای هدایت فکری این نسل جوان دانشجو، به قدر وافر و کافی نداریم و





تفکر انقلابی، عمق و پختگی لازم را در دانشگاه پیدا نمی‌کند. این واضح است؛ به این معنا که اگر فرض کنیم کسی نسبت به انقلاب، هیچ معرفت یا اعتقادی نداشته باشد و وارد دانشگاه بشود، این‌طور نیست که ما مطمئن باشیم که این شخص، فردا که از دانشگاه بیرون می‌آید، فرد انقلابی مؤمنی بیرون آمده است. درست است؟ عکسش، مصادیقی دارد؛ مصادیق کمی هم ندارد. کسانی هستند که در محیط‌های خانوادگی یا محیط شهری خودشان، به انقلاب و اسلام و مبانی انقلابی معتقدند؛ اما به دانشگاه که می‌آیند، کمرنگ می‌شود، یا بی‌تفاوت می‌شوند، یا همان‌طور که اشاره کردند، جذب یک جاذبه‌های علی‌القاعده منافی با تفکر و حرکت انقلابی می‌شوند؛ اما آن طرف قضیه که متوقع است، وجود ندارد.

ما باید کاری بکنیم که در دانشگاه، وقتی دانشجو وارد شد، این‌جا به عنوان مرحله‌ای باشد تا همچنان که بر علم خود می‌افزاید، بر تفکر و بینش صحیح و خط درست و هدایت خودش هم بیفزاید. به نظر من، جهاد دانشگاهی می‌تواند در این کار، به نحو و افری سهم باشد. البته انجمن‌های اسلامی، اگر خوب عمل بکنند و دفاتر نمایندگی، اگر پخته و کامل عمل بکنند، می‌توانند سهم زیادی داشته باشند، اما آن سهمی که جهاد دانشگاهی، با توجه به امکانات و برنامه‌ریزی‌های دقیق و نیز ثباتی که دارد، می‌تواند به عهده بگیرد، هیچ یک از آنها آن سهم را نمی‌توانند به عهده بگیرند. این کار را باید شما جزو برنامه‌هایتان قرار بدهید؛ یعنی کار فرهنگی و هنری‌تان، در این جهت باشد؛ حتی کار تحقیقی‌تان هم در این جهت باشد که جوانان دانشجو را در خط صحیح فکری و عملی هدایت بکنند. بنابراین، من الان هم معتقدم که جهاد دانشگاهی را باید برای این منظور تقویت کرد. این منظور، منظور کاملاً عقلایی و متینی است.

جهاد دانشگاهی، این‌طور نیست که ما رودربایستی کنیم، بگوییم چون یک عده جوان و علاقه‌مند هستند، باید تقویت بشوند. نه، باید برای منظور صحیحی تقویت بشود. آن منظور صحیح، همین نجات دانشجویان و هدایت این جریان جوانی است که وارد دانشگاه می‌شوند، یا بعد از دانشگاه بیرون می‌آیند و همه چیز ما به آنها نگاه می‌کند. اصلاً ما امید بسته‌ایم که مملکت را اینها اداره کنند. هدایت اینها در جهت صحیح فکری و عملی، کار بسیار مهمی است و جهاد می‌تواند سهم قابل توجه و عمده‌ای از این کار را برعهده بگیرد. البته اگر می‌خواهید جهاد، خوب



کار کند و نیروهای انسانی را جذب نماید، شرطش این است که برادران در سطوح بالا، باید حساسیتهای غلط سیاسی را کنار بگذارند؛ و الا در بدنه، خیلی هم انتظاری نیست. شما می‌دانید که من در این چندساله، در این‌گونه موارد حساس بودم و به جزئیات کار هم آگاهی داشتم. فرض کنید در جهاد دانشگاهی اهواز، چند جوان دانشجوی پرشور هستند - که به نظر من باید همان شورشان را هم حفظ کرد؛ آن هیجان و شور و شوق انقلابی‌شان را هم به هر قیمتی هست باید نگهداشت - حالا یک وقت چیزی هم می‌گوید؛ آن قابل اغماض است، تعمیم هم نباید داد، من هم اعتقاد این نیست که باید تعمیم داد، من هم تعمیم نمی‌دهم. البته این سؤال برای من پیش می‌آید که یک تشکیلات اداری وابسته‌ی به یک دستگاه، رئیس و مسؤولی دارد. این رئیس، باید کنترلی، مراقبتی و سؤالی بکند. من در شورای عالی انقلاب فرهنگی، از آقای واعظ زاده - در آن اوقاتی که ایشان مسؤول بودند - چند بار همین سؤال را می‌کردم. حالا هم همین‌طور، جناب‌عالی قهرراً مخاطب به این خطاب هستید. انتظار زیادی از آن جوانان نیست؛ بیشتر انتظار از این سطوح بالاست. گرایشهای سیاسی شماها واقعا مشخص است؛ یکسان هم نیست؛ هر کدام هم آن گرایش خاص سیاسی اش معلوم است که چیست. هیچ اشکالی هم ندارد که این گرایشها، یک‌جا با همدیگر بنشینند و کاری را که می‌خواهند انجام بدهند، برای «کار» انجام بدهند؛ نه برای آنکه در خدمت آن گرایشهای سیاسی باشند. یعنی واقعا این گرایشهایی که شماها دارید - که هیچ کدامش هم چیزهایی نیست که از مجموع خطوط سیاسی کشور خارج بشود؛ بلکه شناخته شده و معلوم است - بدون اینکه بخواهیم آنها را تخطئه یا نفی کنیم؛ اما آن قدر نیست که برای آن، کار با عظمت جهاد دانشگاهی بخواهد قربانی بشود.

این گرایشهای سیاسی و خطی و سلیقه‌ای - حالا هرچه اسمش را می‌گذارید - خودش فی‌نفسه، کوچکتر از کار جهاد دانشگاهی و خود جهاد دانشگاهی است. این جهاد دانشگاهی، اصلاً نمی‌تواند در کانال این گرایشها وارد بشود؛ عظیمتر از آنهاست. آن گنجایش را ندارد؛ کما اینکه شما برای کارهای تحقیقاتی و فرهنگی تان، به عناصر فرهنگی و تحقیقاتی احتیاج دارید و هر جا دیدید، باید پیدا کنید. شرط اسلام و انقلاب را فقط شرط بدانید و لاغیر. در گزینشها هم همین‌طور عمل کنید. البته من می‌دانم که شما این‌طورید. یعنی من واقعا این را در برادران یافتم که به آن هدف، بیشتر می‌پردازند، تا به این مسائل ابتدایی جزئی. جهاد باید خودش را



از برخی از این گونه چیزها، بالاتر بگیرد. چندی پیش - یادم نیست کی بود و قضیه هم الآن درست یادم نیست - نامه‌ای برای من آوردند که انجمن اسلامی، پایش امضاء کرده، مهرزده؛ آقای دکتر رحیمیان - رئیس دانشگاه تهران - پایش امضاء کرده، مهرزده؛ جهاد دانشگاهی هم مهر زده بود. گفتیم: «این چه مناسبتی دارد؟! انجمن اسلامی کجا، آقای دکتر رحیمیان کجا، جهاد دانشگاهی کجا؟!» بله، وقتی به آقای دکتر رحیمیان هم، منهای مثلاً ریاست ایشان نگاه کنیم، جوان انقلابی پرشوری است؛ قدمش روی چشم؛ ما قبول داریم؛ اما حدود باید مشخص و حفظ بشود. جهاد دانشگاهی نیز، همین‌طور. وقتی جهاد دانشگاهی را تجزیه بکنید، از همین جوانان انقلابی و پرشور تشکیل می‌شود که شما هم هستید. خیلی هم خوب است. آدم دوست هم می‌دارد که اصلاً این شور و هیجان باشد؛ اما این شیء از چه حیثی؟ در محیط طلبگی ما، به مسأله‌ی حیثیت خیلی توجه می‌شود. این، چیز خیلی مهمی است. گاهی یک چیز واحد، از دو حیثیت متفاوت، دو چیز است. این شخص، از این حیث مطرح است، یا از آن حیث؟ اینها خیلی مهم است.

به این حیثیات، باید توجه بشود. شما از حیث ریاست دانشگاه، چه وظایفی به‌عهده دارید؟ حالا منظورم این نیست که از آقای دکتر رحیمیان بپرسم. نه، ایشان را که ما می‌شناسیم و من واقعاً هم به ایشان علاقه دارم. این آقای دکتر رحیمیان را قبل از این که بینم، از دور می‌شناختم و ایشان را دوست می‌داشتم و به تدین و تفکر انقلابی قبول داشتم. آقای رحمتی عزیزمان هم که به جای خود. اما می‌خواهم بگویم که این، اصلاً وجهی ندارد. این، شما را به عنوان جهاد دانشگاهی - حالا فعلاً جهاد دانشگاهی را بگوییم - از جایگاه خودتان تنزل می‌دهد. آن وقت شما دیگر آن تواناییهای لازم را برای آن کاری که به عهده‌تان است نخواهید داشت. به نظر من، به این نکات باید توجه بشود.

غرض، جهاد دانشگاهی را حفظ و تقویت کنید. این انتظاری هم که از من هست - انتظار حمایت سیاسی یا مادی - تا آن حدی که برای من میسر و مقدور است، بجاست. ان شاء الله که من هم به این انتظار پاسخ بدهم و خواهم داد. این جریان جهاد دانشگاهی، یک جریان اصلی است که باید در دانشگاهها بماند و آن وظیفه‌ی عمده و بزرگ را ان شاء الله برعهده بگیرد. به هر حال، برای هر طور کمکی که از من میسر و مقدور باشد و بشود ان شاء الله انجام داد، آماده هستم. ان شاء الله موفق باشید.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته





مجموعه بیانات
رهبر معظم انقلاب اسلامی
در دیدار با مدیران و اعضای جهاد دانشگاهی

بیانات
در دیدار با اعضای
جهاد دانشگاهی
۸ دی ماه ۱۳۷۶





بسم الله الرحمن الرحيم

عزیزان من، خیلی خوش آمدید. ان شاء الله موفق باشید. اولاً بنده همان طور که جناب آقای منتظری^۱ اشاره کردند، همیشه در اعماق دل و جان خودم، محبت این مجموعه یعنی نهاد جهاد دانشگاهی و قدردانی نسبت به این جهاد را با خود همراه داشته‌ام، الان هم دارم. همیشه به این مجموعه امیدوار بوده‌ام؛ الان هم امیدوارم. مجموعه‌ی شما یک حرفی زد که بحمدالله این حرف، امروز تقریباً در کشور ثابت شده است. جهاد دانشگاهی از اول خواست بگوید که نیروهای مؤمن، حزب‌اللهی، انقلابی و کمر بستگان انقلاب - آنچنان که دشمن می‌خواهد وانمود کند - عبارت نیستند از یک عده مردمی که از دانش، معرفت، تخصص و تجربه تهی هستند. من فراموش نمی‌کنم در سال‌های ۵۹ و اوایل ۶۰، اصلاً بحث این بود که یک جانب نیروهای انقلاب اند و یک جانب نیروهای علمی و تخصصی هستند. آن روز نهادهایی مثل جهاد دانشگاهی، مثل تربیت مدرس، مثل این مجموعه‌های انقلابی و خود اصل جهاد سازندگی، میدان آمدند و خواستند بگویند که نه؛ این گونه نیست؛ مجموعه‌ی نیروهای انقلاب، نیروهایی هستند که می‌خواهند از همه‌ی بهره‌های الهی در جامعه، بهتر از دیگر انسانها استفاده کنند؛ از آن جمله از علم، از تخصص و تجربه و غیره.

شما این حرف را روز اول گفتید و پای آن ایستادید. الحمدلله ثابت هم شده است. امروز کشور شاهد نیروهای فراوانی در همه‌ی شئون است که بچه‌های انقلاب اند، بچه‌های مؤمن اند و بهره و حظ آنها هم از علم، آنچنان است که اگر از افراد مشابه خودشان بهتر نباشند، حداقل از آنها کمتر نیستند و در جاهایی واقعاً سرآمدان رشته‌های علمی هستند. ما در زمینه‌های گوناگون علمی این را مشاهده می‌کنیم و من شواهدی را می‌شناسم و صرف ادعا نیست. این را قدر بدانید؛ چیز بسیار مهمی است. البته تاریخ جهاد دانشگاهی از سال‌های ۵۹ و ۶۰ تا امروز، تاریخ پر تحول و پر افت و خیز است. من خودم چند سال در شورای عالی انقلاب فرهنگی، شاهد و ناظر مصوبه‌ها و چالشها بودم؛ و بعد از آن هم تا امروز، همین طور مصوباتی است که همین دیروز- به مناسبت دیدار شما مروری به بعضی از این چیزها می‌کردم. مشاهده می‌شود که در تنظیم اساسنامه و دیگر چیزها، سیر نسبتاً طولانی و دشواری را گذرانده‌اید. به همین جهت هم آنچه از موفقیتها که شما امروز دارید، حقاً و انصافاً



مغتنام است و باید از کسانی که موجب این موفقیتها بودند، شکرگزاری کرد. من از آقای رحمتی و قبل از ایشان از آقای واعظزاده که مسؤولان این مجموعه بودند، واقعا تشکر می‌کنم قبل از ایشان یادم نمی‌آید که چه کسی بود؛ همین دو نفر در ذهنم هستند حال هم الحمدلله آقای منتظری مسؤول است که از جوانها و از پرورش یافته‌های انقلاب است. همه مشغول کار هستید؛ بنابراین باید قدر این را دانست. من هم وجود مجموعه‌ی شما را مغتنام می‌شمارم.

شما وظایفی دارید؛ ان شاءالله به بهترین وجهی انجام می‌دهید. حتماً نقاط نقص و عیب وجود دارد که به آن توجه می‌کنید و آنها را بر طرف می‌کنید. من نمی‌خواهم به آنها بپردازم. به نظرم رسید یک نکته را با شما در میان بگذارم. اگر چه این نکته مخصوص شما نیست، اما شما جزو بهترین مخاطبانی هستید که می‌شود این را با شما در میان گذاشت.

برادران عزیز، برای رسیدن به هدفهای بزرگ، عمدتاً چند عامل اصلی انسانی وجود دارد. شرایط اجتماعی، موقعیتها، زمینه‌ها و موانع هست. کسی نمی‌خواهد منکر آنها بشود؛ لیکن وقتی که شرایط آماده بود، لزوماً هدفها مورد دسترسی قرار نخواهد گرفت؛ مگر شروطی محقق باشد که آن شروط، عمدتاً شروط انسانی است؛ اراده، تصمیم، روشن بودن هدف، آگاهی و معرفت و پیگیری. شما همه‌ی اینها را در این مسائل بزرگ زمان ما که در سن جوانی شماها پیش آمده دیدید؛ در حالی که در دوره‌های قبل، پیرمردهای مسن‌تر از ما هم این همه قضایا را نمی‌دیدند! شما امروز همه را به چشم خودتان دیدید؛ مثل قضیه‌ی اصل انقلاب، قضیه‌ی جنگ و خیلی چیزهای دیگر. همه، ناشی از همین چیزهاست؛ یعنی در واقع وجود این شروط انسانی در صحنه است.

یکی از این شروط که من می‌خواهم روی آن تکیه بکنم، مسأله‌ی استقامت است. استقامت، مفهوم خیلی پیش پا افتاده و رایج و غیر مهم تلقی می‌شود؛ ولی اینطور نیست. استقامت، یک مفهوم بسیار مهم و حساسی دارد که اهمیت آن در عمل، به مراتب بیش از آن چیزی است که انسان در ذهن خود تصور می‌کند.

استقامت، یعنی پا فشردن بر طریق مستقیم؛ وَ أَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِينَهُمْ مَاءً غَدَقًا؛ اگر به همان صراط مستقیم پافشاری بکنند؛ یعنی در همین جهت‌گیری باشند و راه خودشان را عوض نکنند و تحت تأثیر شرایط قرار نگیرند، آن وقت آن نتایج دنیوی و ثواب اخروی، مترتب





خواهد شد.

این که قرآن می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ»^۱ نزول ملائکه شریف مواجه شدن و مخاطب شدن به خطاب ملائکه و فرشتگان الهی «أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا» ملائکه بیایند و به شما بگویند: نترسید، محزون نباشید. چه وقت این شرف دست می‌دهد؟ در صورت استقامت.

بنده در یک سخنرانی در یکی از سالگردهای امام (ره)، راجع به همین قضیه‌ی بخصوص صحبت کردم، بین استقامت امام (ره) و استقامت امام حسین (علیه السلام)؛ مقایسه‌ای کردم. آدم یک کلمه می‌گوید «استقامت کنید»، «ایستادگی کنید»؛ همه هم به خودشان نگاه می‌کنند و می‌گویند بله، ایستادگی می‌کنیم؛ لیکن ایستادگی در مقام عمل، مسأله‌ی خیلی مهمی است.

ایستادگی امام حسین (علیه السلام) به چه چیز بود؟ آیا این بود که در جنگ ایستادگی کرد؟ خوب، همه در جنگ ایستادگی می‌کنند؛ هر کس به جنگ می‌رود حتی آدم‌های باطل - ایستادگی می‌کنند. این همه جنگ در دنیا هست و این همه افراد می‌روند و کشته می‌شوند؛ از سنگرهای خودشان یک قدم عقب نمی‌نشینند؛ این هم که استقامت است! این مقدار استقامت که امام حسین و سیدالشهداء درست نمی‌کند؛ باید سراغ آن استقامت‌های ویژه حسینی برویم.

از نظر امام حسین (ع)، هدفی روشن وجود دارد؛ اما دیگران در این هدف، مرتب خدشه می‌کنند. آن‌ها آدم‌های کوچکی نیستند. آفازاده‌های درجه‌ی یک دنیای اسلام - مثل عبدالله زبیر، عبدالله جعفر و عبدالله عباس - هستند! کسانی که شما الان هر کدامشان را نگاه کنید، می‌بینید که آن‌ها در دنیای اسلام چه قدر ارزش دارند.

آنها یکی یکی با امام حسین (ع) می‌نشینند و بر سر این هدف، مناقشه و خدشه وارد می‌کنند! می‌گویند: «آقا! به چه دلیل امروز همان روزی است که شما باید بروید و در مقابل یزید بایستید؟» این قدر هم برای اثبات نظریه‌ی خودشان شواهد دارند که هر کسی را تکان می‌دهد! می‌گفتند: «شما فرزند پیغمبر باشید و احکام الهی را بگویید آیا بهتر است یا کشته بشوید؟ آیا این مردم ظالم بیاید و بنا کند بر روی قبر شما به رجز خوانی و عوض کردن حرف‌های شما بهتر است یا زنده باشید، حرف بزنید و تبیین کنید؟ اگر ۲۰ سال دیگر از خدا عمر بگیرید، شما در این ۲۰ سال چه قدر معارف خواهید گفت. این که بهتر از آن



است! «ببینید، خیلی آسان نیست که آدم خودش را از گیر چنین اشکالی، از قلاب چنین خدشه‌ای خلاص بکند! می‌گفتند: «حالا می‌خواهید بروید، بالاخره در میدانی مبارز طلبی کنید، ولی این زن و بچه را کجا می‌برید؟ این وضع چیست؟ چرا می‌روید و مردم را به کشتن می‌دهید؟ چرا کوفه می‌روید؟» خوب، همه اینها پای انسان را تکان می‌دهد؛ می‌لرزاند. امام حسین (علیه السلام) به آن جایی رسید که فهمید قضایا دشوار است. گفتند: «خوب، آقا برگردید، بروید با یزید بیعت کنید. حالا بالاخره بیعتی بکنید. شما که بالاتر از امام حسن (علیه السلام) نیستید. چه موجبی دارد که شما بروید و خودتان را در این معرکه‌ی عظیم بیندازید؟!» از لحظه‌ی خروج از مدینه تا آمدن به مکه، از خروج از مکه تا رسیدن به کربلا که ماجراهایی در این خلال هست - از لحظه‌ی ورود به کربلا تا روز عاشورا! همین طور مرتب با این خدشه‌ها و شبهه‌ها - آن هم از سوی آدم‌های حسابی، از سوی عقل مصلحت اندیشی که از وسایل ارزشی هم خیلی بیگانه نیست - مواجه است! آن وقت امام حسین، آن کسی است، آن تجسمی از ارزشهاست که در مقابل اینها استقامت می‌کند؛ یعنی هدف را فراموش نمی‌کند؛ خط مستقیمی را که خودش می‌شناسد و اینها نمی‌شناسند، با این حرف‌ها رها نمی‌کند.

من بین این حرکت و حرکت امام (رضوان الله علیه) مقایسه کردم. از روزی فرض کنید که دوم فروردین سال ۱۳۴۲ که آنجا روی سخت دستگاه دیده شد - قضیه‌ی مدرسه‌ی فیضیه - تا ۱۵ سال بعد و در رأس یک حکومت و یک ملت قرار گرفتن؛ که دیگر مسأله‌ی مبارزه و معارضه و سنگ انداختن به شیشه‌ی طرف نیست. من گفتم که آدم معارض، همیشه سنگی پرتاب می‌کند، به شیشه‌ی هر کس که بخورد، این پیروز است؛ اما وقتی کسی می‌خواهد در موضع اداره‌ی یک کشور با یک مجموعه بایستد، باید مواظب باشد که یک دانه سنگ هم به یک شیشه نخورد. این موضع، موضع خیلی حساستری است.

حالا امام در این موضع قرار گرفته است؛ آن قضیه‌ی آمریکا، آن قضیه‌ی لانه‌ی جاسوسی، آن قضیه‌ی هر روز جنگ، آن قضایای گوناگون با کشورهای مختلف، آن قضیه‌ی شوروی! ما این همه با آمریکا معارضه داریم، شوروی هم بیخ گوش ما، عراق هم خودش در مشت شوروی! این «الاشرقیه ولا غربیه» نه شرقی و نه غربی را محکم نگه داشتن، بسیار مهم است.

می‌گفتند آقا، برای چند صباحی شما «نه شرقی» را به زبان نیاورید؛ حالا





در دلتان هم باشد، ولی نگویید! بگذارید حالا ما یک خرده مصلحتی را ملاحظه کنیم! بالاخره یک کشور است، اداره دارد؛ همه‌ی مردم- کوچک، بزرگ- در یک سطح نیستند؛ همه یک جور معرفت ندارند؛ یک چیزی را مراعات کنید!

همه‌ی این‌ها در معرض ذهن امام بود؛ نه این که خیال کنید این‌ها به امام گفته نمی‌شد! نخیر، واقعاً هم گفته می‌شد. من خاطره‌ای از امام دارم که هیچ کس این را نمی‌داند؛ یعنی آن روز، چند نفر دیگر هم بودند، ولی هیچ کس نگفته است. مطلبی به امام گفته شد. امام گفتند که خیلی خوب. پس من کنار می‌روم، شما یکی دیگر را سر کار بیاورید و هر کاری خواستید، بکنید! یعنی گاهی کار به این جاها می‌رسید!

البته آن قضیه، قضیه‌ی جنگ بود که این بخش از خاطره‌ی مسأله جنگ، تا حالا به هیچ کس هم گفته نشده. هیچ کس هم نمی‌داند. من نمی‌دانم یاد آن آقایان هم هست، یا نه؛ بنده یادم است. همان جا هم بیرون آمدم و یادداشت کردم که وقتی شرح وضع کشور را می‌دادند که آقا این جووری است، این جووری است؛ اولین حرف امام این بود که خیلی خوب، من کنار می‌روم! بحمدالله عکس‌العمل ماها به صورتی بود که می‌توانست در مقابل این حرکت امام، یک چیزی به حساب بیاید. امام به خاطر این که ایستاد، الان یک ارزش مجسم است. ملت ایران هم در آن دوره‌ی ۱۰ ساله، پشت سر امام ایستاد؛ لذا ملت ایران هم امروز یک ارزش است. ما حالا هر کار بکنیم، خدای نخواست به هر جهنمی خودمان را سرازیر بکنیم، آن ۱۰ سال به صورت یک نوار روشن باقی است؛ نمی‌توانند خرابش کنند؛ و اگر شما نگاه کنید، یکی از کارهای اساسی که بعد از رحلت امام (رحمه‌الله علیه)، بلافاصله شروع شد - و متأسفانه از روزنامه‌های خودمان هم شروع شد زیر سؤال بردن مسایل آن ۱۰ سال بود؛ برای این که آن ۱۰ سال را زیر سؤال ببرند! ولی خوشبختانه نتوانستند زیر سؤال ببرند و نخواهند توانست.

از این ضرورت‌های روزمره‌ی هر روزه‌ی این روزگار، هر چه خودمان را بیشتر دور بکنیم و از آن مقطع دورتر بشویم، بیشتر روشن خواهد شد که آن ۱۰ سال چه قدر درخشان است! و به برکت ایستادگی، و به برکت ایستادگی مردم به دنبال آن رهبر، حالا شما برادران عزیز انقلابی، جهاد دانشگاهی را دارید. من می‌خواهم به شماها بگویم عزیزان من، استقامت لازم است. استقامت، فقط این نیست که ما جهاد دانشگاهی را به هر شکلی شد حفظش کنیم؛ اسم جهاد دانشگاهی حفظ بشود! استقامت فقط این



نیست که چهار نفر جوان بیایند و کارهای علمی هم انجام بدهند، چهار شرکت هم آنجا بزنند، کار مادی و اقتصادی هم بکنند؛ بالاخره جهاد دانشگاهی است دیگر!

نه، یک وقت شما می‌بینید که این مجموعه باقی مانده، از ظواهر هم هیچ کم نشده، اما باطنی وجود ندارد- یک وقت انسان از خواب بیدار می‌شود، این را مشاهده می‌کند - من آن حرفی را که به همه می‌زنم و به خواص بیشتر می‌زنم- در جلسات خصوصی با آدم‌هایی که می‌دانم می‌توانند مخاطب این سخن قرار بگیرند، همیشه در این سال‌های متمادی، آن را پیگیرتر مطرح کرده‌ام- حالا می‌خواهم به شماها بگویم. شماها هر کدامتان اگر با بنده یک جلسه‌ی خصوصی می‌گذاشتید، همان آدم اهل دردی بودید که می‌شد با شما حرف زد. من هم می‌خواهم بگویم شماها سعی کنید آن ستونی را که جهاد دانشگاهی مجسم کننده‌ی همان ستون است، با همان استحکام نگه دارید.

ببینید عزیزان من؛ این سقف سقف انقلاب، سقف ارزش‌ها، سقف جامعه‌ی حقیقی اسلامی؛ هر چه می‌خواهید اسمش را بگذارید- بر روی ستون‌ها قرار دارد. اگر همه هم از زیر این سقف کنار بروند، یعنی این دیوارها و تیغه‌ها را از زیر این سقف برچینند و این ستونها سرپا باشد، این سقف تکان نخواهد خورد. بگذارید ۱۰۰ تیغه دیوار یک لایه‌ی آجری را از این زیر بردارند، اشکالی پیش نمی‌آید؛ اما اگر یکی از این ستون‌ها تکان بخورد، آن وقت سقف ناگزیر به همان اندازه تکان خواهد خورد.

یکی از این ستون‌ها روحانیت است. یکی از ستون‌ها سپاه است. یکی از ستون‌ها در هر زمانی، آن نیروهای سطح بالای جامعه و عناصر اصلی دولت اند. یکی از این ستونها هم شما هستید.

شما تکان نخورید. شما ارزش‌های انقلابی و اسلامی- به همان شکل صحیحش- به هیچ قیمت دست برندارید. این حرف، بالاتر از مسایل سیاسی و خطی و روزمره است. شما از آنچه که در عرف رایج سیاسی دنیا هست و نمی‌گذارند آن مطالب به گوش ما برسد- وسوسه‌ی سیاست‌ها و وسوسه‌های بین‌المللی نامیده می‌شود- خودتان را دور نگه دارید.

فرض بفرمایید: گروهی کارشناس در آمریکا وجود دارند؛ کارشان این است که مشکل کشورها و دولتهایی را که با آمریکا مسأله دارند حل کنند؛ اسم آن هم وسوسه‌ی سیاسی، یا وسوسه‌ی دیپلماسی است.



مثلاً حرکتی انجام می‌دهند، بازی پینگ پنگ با چین در زمان چوئن لای راه می‌اندازند؛ این می‌شود مقدمه برای این که روابط، به تدریج راه بیفتد. هیچ کس هم احساس نمی‌کند که اتفاقی افتاد! شما خاطرات نیکسون را نگاه کنید. نیکسون همین خاطرات خودش را با چوئن لای نوشته است- البته بنده دوازده سیزده سال پیش خواندم- کتابی دارد به نام «رهبران»، که به فارسی ترجمه شده است. از جمله چیزهایی که در آن کتاب آن طور که حالا یادم می‌آید نوشته، همین ملاقات‌های خودش با چوئن لای و آن سفر تاریخی معروف نیکسون به چین است که به رفاقت‌های آمریکا منجر شد!

ببینید از کجاها شروع شده؛ هیچ کس هم احساس نمی‌کند! یعنی آن جا کسانی که مخاطب و طرف این وسوسه هستند، احساس می‌کنند که بالاخره ضرورت‌های زندگی پیش آمده، چاره‌ی هم ندارند. اما کارگردانان دیپلماسی دنیا می‌دانند که این چیست. می‌دانند که او چاره دارد. توجه می‌کنید! مواظب باشیم که در این وسوسه اشتباه نکنیم. آنچه را که تصور می‌شود ضرورت‌های زمانه است- شاید هم به یک معنا ضرورتی باشد- با موانع واقعی اشتباه نکنیم. نه، اینها جزو همان چیزهایی هستند که با استقامت از بین می‌روند البته این حرفی که من دارم به شما می‌زنم، معنایش این نیست که الان کسانی در کشور هستند که وضع چوئن لای آن زمان را دارند! نه خوشبختانه. من خدا را شکر می‌کنم که بحمدالله در وضع کنونی، با تشکیلات دولت به همین شکل که امروز شما می‌شناسید وجود دارد، این تصور و این فکر نیست که من از آن احساس خطر بکنم؛ مطلقاً.

الحمدلله در این مسأله‌ی بخصوص، یعنی مسأله‌ی آمریکا- البته این مسأله را به عنوان مثال ذکر کردم؛ این یک مسأله از ده‌ها مسأله و یک مثال از ده‌ها مثالی است که می‌توان زد- در سطوح بالا کسی نیست که احساس ضرورت بکند. شما که ملاحظه می‌کنید؛ اظهارات و بیانات را می‌شنوید. همه‌ی بیانات، مبشر و مژده بخش است. این بیاناتی که امروز از طرف مسؤولین کشور و مسؤولین دولتی دارد پخش می‌شود، برای بنده مبشر است- و من التبه ورای این اظهارات، از چیزهای دیگر هم خبر دارم؛ خوشبختانه آنها هم مبشر است.

لیکن اگر همین مسؤولین یا امثال این مسؤولین یک وقت به زیر دست خودشان نگاه کنند و ببینند که فلان جوان انقلابی، فلان برادر متدین، فلان مسؤول وابسته به انقلاب و جوشیده از انقلاب- در سطح



وسیعی - همه دچار یک تردید و احساس اضطرابند، قهراً در آنها هم اثر خواهد گذاشت! شما تعیین کننده هستید، خواهندهی واقعی و اقدام کنندهی حقیقی شماید؛ ولو این که شخص مسؤولی در لحظهی آخر، ممکن است اقدامی بکند و تصمیمی بگیرد؛ اما در واقع این شما هستید که دارید تصمیم می گیرید و تصمیم می سازید.

سعی کنید که پایهی مستحکمی باشید که سقف انقلاب بر آن پایه قرار دارد و این پایه تکان نمی خورد. ارزش های انقلابی را همان چیزی را که ۱۵ سال پیش، وقتی جهاد دانشگاهی به خودش مراجعه می کرد - در یک سمینار، یا یک مشورت داخلی - و آنها را در؛ خودش مشاهده می کرد؛ آنها را جزو اهداف خودش به حساب می آورد آن اهداف را در نظر مجسم کنید و آنها را حفظ کنید.

هیچ کدام از اینها - یعنی حفظ این اهداف - به معنای توقف، ایستایی و پیش نرفتن با زمان نیست؛ نه؛ اصلاً و ابداً. کما اینکه الان اگر در مجموعهی نظام مشاهده کنید، بحمدالله ما پیشرفت های زیادی کرده ایم، اصولمان را هم حفظ کرده ایم. آنچه که امروز دشمن می خواهد، این است که ما الان همان اشتباه سال های ۵۹ را به نحو دیگر بکنیم! آن روز می گفتند که جریان حزب الهی و انقلابی، با علم و تجربه سازگار نیست؛ امروز می خواهند وانمود بکنند که جریان انقلابی و ارزش گرا، با ضرورت های زمان، با نیازهای جامعه و با وسایل پیشرفت و توسعهی کشور آشنا نیست!

نه؛ این غلط است آن جریان ارزش گرا، با مسائل توسعه، با مسائل پیشرفت کشور از همه جهت، و با آن چیزی که موجب می شود ما در اوج عزت قرار بگیریم، کاملاً آشناست و می داند که آن، تأمین نخواهد شد، مگر با حفظ اصول و ارزش ها! با حفظ اصول و ارزش هاست که ما می توانیم در جامعه و در خانوادهی جهانی سربلند باشیم؛ و می توانیم علاوه بر عزت و سربلندی سیاسی، امکانات توسعه به معنای حقیقی را در جنبه های علمی، اقتصادی و تحقیقی و غیره، کسب کنیم.

در آن صورت می توانیم؛ والا با از دست دادن ارزش ها، ما افتخاری نخواهیم داشت که فرض بفرمایید لنگهی دوم اندونزی بشویم! حالا بعد این همه کارها، ما همت بکنیم و بشویم «آقای سوهارتو»! این برای نظام جمهوری اسلامی خیلی افتخار است؟! یا بشویم مالزی! این آقای مالزیایی که خوشبختانه، هم آدم هوشمندی است و هم نسبتاً آدم مستقلی است، حالا دارد می فهمد که در چه دامی افتاده است! خودش این جا





با من صحبت کرد و گفت: «این بلا را به سر ما آوردند!» همین بلایی که همه‌ی شما هم می‌دانید، ولی متأسفانه برای مردم توضیح داده نشده است که این بلا چیست!

ضمناً من به شما بگویم که این هم می‌تواند یکی از کارها و جزو پروژه‌های تحقیقاتی شما باشد که این قضیه‌ی تایلند و مالزی، چه شد که حالا به کره جنوبی رسیده و زمزمه‌ی رسیدن به ژاپن هست! حتی این حقیقتش چیست؛ این ساختار توسعه، چگونه ساختاری است که به این جاها منتهی می‌شود؟ این برای مردم توضیح داده نشده است. در تلویزیون آمدند و توضیح دادند بنده گوش می‌کردم کاملاً غلط! کاملاً غیر واقعی و به شکل تبلیغاتی غربی و آمریکایی! در تلویزیون جمهوری اسلامی این طور توضیح داده شد که به هیچ وجه درست نبود!

این هم یکی از کارهای شماست که نشان بدهید چه طور می‌شود یک کشور، که حالا خیال می‌کند کشور ثروتمندی است، به یک کشور فقیر تبدیل بشود! آقای ماهاتیر محمد، این جا به می‌گفت که ما در مدت کوتاهی، به یک کشور فقیر تبدیل شدیم- در همین سفری که آمده بود- آنچنان هم با حزن حرف می‌زد که حزن، از چهره‌ی او واقعاً آشکار بود! قیافه‌ی گرفته، ناراحت و از موضع ضعف گفت: «من باید به شما بگویم که ما در مدت کوتاهی به یک کشور فقیر تبدیل شدیم!» واقعاً هم این گونه است؛ به یک کشور فقیر تبدیل شده‌اند. البته امیدواری هست که بتواند خودش را از زیر این بار، خلاص کند و به صورتی نجات بدهد؛ اما توسعه این است؟! حالا بعد از دوران با عظمت و درخشان ۱۰ ساله‌ی حیات امام، و بعد از آن همه شعارها، آن همه شهادت‌ها و سربلندی‌ها، و بعد از آن همه شیفتگی‌ها که در دنیا به ملت ایران نشان داده شده، ما خیلی همت کنیم و به خاطر این چیزها، به آقای ماهاتیر، یا به فلان کس دیگر در کره جنوبی، یا در اندونزی، تبدیل بشویم! این، هنری است برای نظام جمهوری اسلامی؟! اسم آن را هم بگذارید «ضرورت‌ها»!! بگویند ضرورت این است!

این، آن چیزهایی است که شما باید به آن توجه بکنید. نخیر، هیچ ضرورتی نیست. ضرورت این است که ما مبانی انقلاب را حفظ کنیم. ضرورت این است که ستون‌های زیر سقف انقلاب، همچنان مستقیم و مستحکم باقی بمانند و خم نشوند. این توقع ما از شماست. ان شاء الله موفق باشید.

البته من حضور آقای علی منتظری را تبریک می‌گویم. خوشحالم از این



که ایشان تشریف آوردند، این جا هستند و حقیقتاً مجموعه‌ی شما برای ما مایه‌ی امید است. ان شاءالله بتوانید پیش بروید و روز به روز بهتر و قویتر کار کنید؛ و کارهای اساسی را هم بر کارهای فرعی ترجیح دهید. شنیده‌ام شرکت تأسیس کرده‌اید؟ حالا شرکت هم در ایران زیاد است؛ ما خیلی کمبود شرکت نداریم. ان شاءالله بیشتر به آن تحقیقات و کارهای علمی که کمبود داریم توجه کنید.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته





مجموعه بیانات
رهبر معظم انقلاب اسلامی
در دیدار با مدیران و اعضای جهاد دانشگاهی

بیانات
در دیدار با جمع زیادی
از دانشجویان و اعضای
جهاد دانشگاهی
۱۴ مرداد ماه ۱۳۷۸



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خیلی خوشوقتم از این که بحمد... آن نهال نورس امید بخش، امروز به درخت تناور و ثمر بخشی تبدیل شده است. جهاددانشگاهی از اول که بوجود آمد، هم امیدهایی را با خود داشت و نویدهایی را می داد، هم با مخالفت های جدی روبرو بود. عمده مخالفت ها با این فکر و این تصور بود که حضور یک مجموعه جوان انقلابی در دانشگاه های کشور، با انگیزه هایی که آنها از جهت دینی و ایمانی و انقلابی دارند و با وظایفی که برای خودشان تعریف کرده اند، برای سلیقه هایی به هیچ وجه خوشایند نیست. انگیزه، این بود. می خواستند چنین چیزی که ابعادش برای آنها نامشخص، نامعلوم و مزاحمتش برای بعضی ها قطعی بود، در دانشگاه ها نباشد؛ لذا با جهاددانشگاهی، خیلی مخالفت کردند. بالاخره یک روزی هم همین نهال انقلابی خودروی امید بخش، به یک نهال رسمی با وظایف مشخصی تبدیل شد.

گمان بنده - هم آن وقت، هم حالا - این است که با اینکه مسئولیت های جهاددانشگاهی را در دو سر فصل منحصر کردند - سر فصل تحقیقات و سر فصل امور فرهنگی و در واقع یک نوع محدودیت به نظر می رسید، اما همین دو سر فصل، همه آن چیزهایی را که جهاددانشگاهی از اول به طور مبهم با به طور تفصیلی به عنوان وظایف خودش تعریف کرده بود، می توانست در خودش بگنجانند و بحمد... گنجانند. امروز جهاددانشگاهی، پژوهشکده های متعدد و کارهای تحقیقاتی بسیار خوب در بخش های مختلف دارد. همانطور که جناب آقای منتظری مسئول محترم جهاددانشگاهی فی الجمله گزارش کوتاهی دادند - بعد انشاء... تفصیلش را مطلع بشویم - حتی در زمینه هایی که معمول و معهود نبوده است که تحقیقات دانشگاهی عمیق و علمی بر روی آن انجام بگیرد در زمینه های مسایل کشوری - مسایلی دارد، در آنجا تحقیقات می شود و خیلی خوب است.

حالا این دو سر فصل که می تواند همه آن گستره وسیع را در خودش جمع کند، بدین خاطر است که با سر فصل پژوهش می تواند دانشگاه ها را در سهمی که جهاددانشگاهی بر عهده می گیرد، از حالت رکود، توقف، تکیه بر محفوظات و انقطاع از تحقیقات، بکلی خارج کند. به هیچ وجه نمی خواهیم نهادهای دانشگاهی، استادان محترم دانشگاه و مدیریت های تحقیقاتی را ندیده بگیریم، اما وقتی نهادی و مجموعه ای با خصوصیات جهاددانشگاهی - جوان بودن، انقلابی و دینی بودن و به





وظیفه اعتقادی و ایمانی و انقلابی، پیش از وظیفه اداری تکیه کردن متعهد و متصدی کار پژوهش بشود، قاعدتاً پژوهش باید معنا و کیفیت دیگر داشته باشد و جهش و رشد بی سابقه‌ای پیدا کند. بنابراین، حرکت در جهت علمی و تحقیقی کردن دانشگاه‌های کشور را در این سر فصل گنجانده است که در جهاد دانشگاهی از اول کار، همین تحول کیفی علمی دانشگاه‌ها مورد نظر بود؛ و کیست که نداند دانشگاه‌های کشور قبل از انقلاب، بیشتر روخوانی داشت؛ چه برسد به ابتکار و نوآوری و خودباوری! حتی تعمق هم در آن کم بود. البته استنادی بودند؛ دانشمندانی در آنجا تربیت شدند؛ لیکن نظام دانشگاهی، آن را به وجود نمی آورد؛ بلکه یک وقت یک استاد راهنمای خوب، یک مربی دلسوز، یا یک شاگرد با علاقه، دنبال کاری بود و به جایی هم می رسید. روند کلی نظام دانشگاهی قبل از انقلاب، به هیچ وجه تربیت کننده محقق و فراهم آورنده پژوهش‌های عمیق و ابتکاری و نوآوری و شکستن بن‌بست‌های علمی نبود و اینچنین چیزی را ترویج نمی کرد. شما می توانید این کار را بکنید و بحمد الله... دانشگاه‌های کشور بعد از انقلاب، پیشرفت‌های بسیار خوبی داشته اند که مطلقاً مربوط به قبل نیست. بنابراین سر فصل پژوهش، سر فصل بسیار مهمی است. سر فصل دوم، مسأله فعالیت فرهنگی است. این هم از لحاظ اهمیت، از جهتی حتی از آن سر فصل اول، مهمتر است. اگر ما بخواهیم عیوب ساختاری دستگاه علمی ما، یا به خصوص دستگاه دانشگاهی ما یا قدری وسیع تر، بنای اجتماعی ما - همین تبعیض‌ها و تفاوت‌ها و احیاناً تمایل به سمت غیر حق در برخی از موارد عملی و روشی که ما الان داریم - برطرف بشود، تنها راه، تکیه بر اسلام و مفاهیم اسلام ناب و گسترش دادن و ژرف کردن ایمان اسلامی است.

این تنها راه است و راهی است که در دسترس ماست. اگر ما بتوانیم در دانشگاه در صف مدیریت اداری کشور، یا به طور کلی نظام اداری کشور - این ایمان متعهدانه اسلامی را عمق و گسترش بدهیم، همین مشکلاتی که الان داریم، برطرف خواهد شد. هر چه وضع ما از گذشته بهتر است، به خاطر آن قسمی از ایمان است که داریم. هر چه وضع ما اشکال دارد و اشکالات قبل از دوره انقلاب اشکالات دوران طاغوت بر طرف نشده و استمرار پیدا کرده است - که متأسفانه از این موارد داریم - ناشی از این است که در آن بخش، ما این عامل نجات بخش را به کار نگرفته ایم؛ یعنی ایمان عمیق متعهدانه به اسلام ناب! اسلام ناب که می گویم، معنایش تفسیری نیست که فلان مستشرق، یا فلان



مستشرق نمای داخلی از اسلام می‌کند؛ نه، اینها همان کفهایی است که متأسفانه مخلوط مواد اصلی می‌کنند و بکلی آن را از ناب بودن می‌اندازند. نه؛ اسلام ناب، در کتاب و سنت است. باید کتاب و سنت را فهمید؛ شوخی بردار نیست.

متن اسلام، قرآن و حدیث است؛ باید اینها را کسی بفهمد. فهمیدن اینها هم به شکل علمی، یک متد دارد؛ برف انبار نیست تا انسان بتواند اسلام ناب را پیدا کند.

البته امروز خوشبختانه اسلام ناب، در اساسی‌ترین مسأله‌اش، یعنی مسأله‌ی نظام حکومتی، در اینجا پیاده شده است. قالب کلی نظام، قالب اسلامی است؛ هر چه اشکال و ریخت و پاش و ضایعات هست، ناشی از اشخاص ماهاست. اشخاص ماها ضعف داریم، عیب و ایراد داریم و بنای کلی را بد شکل و بدقواره می‌کنیم. قواره، قواره‌ی درستی است. اگر دانشگاه کشور بتواند در درون دانشگاه، این عامل را گسترش بدهد - یعنی ایمان متعهدانه‌ی به اسلام ناب دانشگاه کشور از لحاظ علمی، اجتماعی، سیاسی و همان حفظ سقف پیشرو در همه‌ی تحولات و پیشرفت‌های اجتماعی، عالی‌ترین نصاب خودش را در اختیار خواهد داشت. توجه می‌کنید؟ و این کاری است که از عهده‌ی شما و انجمنهای اسلامی بر می‌آید.

البته عده‌ای تلاش می‌کنند که قید «اسلامی» انجمنهای اسلامی را هم ببندازند! حتماً عده‌ای هم تلاش می‌کنند که مفهوم و بار ارزشی کلمه‌ی جهاد را از جهاد دانشگاهی حذف کنند. یقیناً چنین تلاشهایی هست! باید با اینها مقابله کرد؛ یعنی باید با اینها مبارزه کرد. اصلاً جهاد، همین است؛ یعنی مقابله با دشمن متعرض.

هر تلاشی جهاد نیست. ممکن است کسی بنشیند و فرض بفرمایید فکری بکند، تحقیقی انجام دهد، کتابی بنویسد، یا درختی غرس کند و جهاد هم محسوب نشود؛ ممکن است عیناً همین کارها را بکند و جهاد محسوب بشود. آن وقتی که در مقابل، دشمن هست و شما با این کار دارید با آن دشمن، دست و پنجه نرم می‌کنید، اسم این کار در فرهنگ اسلامی، جهاد است؛ شکل مسلحانه دارد، شکل علمی هم دارد. شما در دانشگاه می‌توانید این جهاد رابه بهترین وجهی انجام بدهید؛ یعنی گسترش فرهنگ عمیق اسلامی.

کارهای سطحی و صوری، اگر غلط نباشد، مفید است، اما در یک حدی؛ و اگر شکل‌های غلط و انحرافی داشته باشد، مضر است. همین کارهای خوبی که خوشبختانه در دانشگاههای کشور انجام می‌گیرد - توجه به





دین و اقبال به عبادت و این چیزهایی که بحمد... روز به روز هم در دانشگاهها در حال گسترش است، مثل نمازهای جماعت و جلسات دعا و اعتکاف و این چیزها- خیلی خوب است؛ منتها دایره‌ی تأثیر و مدت تأثیرش محدود است. اگر بخواهید این دایره را گسترش بدهید تا دلهای اهل تحقیق را هم در خود بگنجانید و اثر آن را آنچنان ژرفا ببخشید که با هیچ طوفان و تند بادی از جا کنده یا حتی متزلزل نشود، باید کار عمیق و علمی بکنید. شماها می‌توانید این کار را بکنید.

البته معنایش این نیست که از کمک متخصص، روحانی و عالم دینی بی‌نیاز هستید؛ نه بلا شک بی‌نیاز نیستید. او یک کار می‌کند، شما هم یک کار؛ مجموعه‌ی اینها یک حرکت عظیم و کامل می‌شود.

به هر حال همه‌ی این چیزها موجب می‌شود که بنده در طول این سالهای متمادی، ارادت قلبی خودم به جهاد دانشگاهی را همچنان حفظ کنم. من با قطع نظر از اشخاص و گذشت زمان و تغییر افراد و آمدن و رفتنها و اختلاف سلاقی و مذاقها و تغییراتی که آدمها می‌کنند که انواع و اقسامش را در این چند ساله دیده‌اید- جریان مستمری را مشاهده می‌کنم که به آن ارادت دارم و محبت می‌ورزم و آن، همان اصل جریان جهاد دانشگاهی است. عزیزان من، این را حفظ کنید؛ نگذارید این جریان از بین برود. روز به روز آنرا فیاض‌تر کنید. کاری کنید که آدمها بتوانند در سرنوشت آن اثر بگذارند. پایه‌های دینی و ایمانی و انقلابی آنرا مستحکم کنید. امروز، هم دانشگاه، هم کل کشور، به این احتیاج دارد. از خدا کمک بخواهید و به طور جدی، پیش خدای متعال تضرع کنید. اثر آن را یکایک خود شما خواهید دید. از خدا در همه‌ی امور کمک بخواهید- البته خواستن و طلب واقعی، نه اینکه آدم فقط به زبان دعاپی بکند- خواهید دید که خدای متعال همان طور که فرموده، «اَسْتَجِبْ لَكُمْ». تضرع، توسل، توجه و ارتباط با خدا را از دست ندهید؛ روز به روز این را قوی‌تر کنید و از انفس حضرت بقیه... (ارواحنا فداه) استفاده کنید و استمداد بطلبید و نیت خود را این قرار بدهید که با این کار می‌خواهید محیط دانشگاهی کشور را به یک کیفیت برتر برسانید که آن به نوبه خودش در حرکت عظیم جامعه‌ی ما یک نقش اساسی و حیاتی خواهد داشت. ان شاء... موفق و مؤید باشید و خداوند همه‌ی شما را محفوظ و موفق بدارد. از جناب آقای منتظری و دوستان و همکارانشان هم خیلی متشکرم.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته





مجموعه بیانات
رئیس مصلحت انقلاب اسلامی
در دیدار با مدیران و اعضای جهاد دانشگاهی

بیانات
در دیدار جمعی از جهادگران
علمی کشور (پژوهشگاه رویان)
۱۱ شهریور ماه ۱۳۸۲





بسم الله الرحمن الرحيم

خیلی دوست می‌داشتیم که در اثنای گزارش این برادر عزیزمان، دوستانی که در جلسه هستند سولاتی را مطرح کنند تا با آن سوال‌ها و پاسخ‌هایی که ایشان خواهند داد، ابعاد قضیه برای ما که تخصص این کارها را نداریم بیشتر روشن بشود؛ خب سوالی مطرح نکردند. من گزارش‌هایی را که دوستان فرستادید، در این مدت، راجع به این قضیه، تقریباً همه‌اش را نگاه کردم و خوانده‌ام و یک تصویر اجمالی از قضیه در ذهن خودم دارم که کافی است، برای اینکه اهمیت این مساله را برای من روشن کند. فی الجمله از توضیحاتی که از نوشته‌های شما به دست آوردم و مطالبی که الان اشاره کردید، می‌فهمم که این بسیار قضیه مهم و اساسی است و مزده این را هم به هیأت دولت که آمده بودند به دوستان دادم که این کار بزرگ انجام گرفته. الان هم خیلی خوب است که گزارشی به آقای رییس جمهور بدهید؛ من البته در یک جلسه دیگری هم با ایشان، درباره همین قضیه صحبت دیگری کردم. آن چیزی که من را به شدت خرسند و مشعوف می‌کند در این کار شما، این است که شما خودتان را دارید نزدیک می‌کنید به آن مخزن تمام نشدنی ثروت انسانی در کشورمان؛ ما یک مخزن عظیم و تمام نشدنی در کشور داریم که آن عبارتست از همان استعداد انسانی؛ و یک سدی جلوی این مخزن عظیم را همیشه گرفته بوده، سد تحقیر از سویی و احساس حقارت و ناتوانی از سوی دیگر. ایرانیها مدت طولانی به صورت یک مجموعه‌ای که توان کار ندارند به خودشان نگاه کردند. بعد از آن که این تمدن پرتالو اروپایی‌ها که با علم کار خودشان را آغاز کردند و از همان اندک علمی که داشتند استفاده سیاسی و کشورگشایی و جهان داری کردند. یعنی در همان قدم‌های اول که شروع کردند به استعمار؛ با استفاده از علم بود. یعنی فرق است بین حمله صلیبی‌ها در دوره خودش با حمله استعمار. حمله صلیبی‌ها یک حمله بی‌حساب و کتابی بود که رفتند برای کشورگشایی؛ پشت سرش نگاه علمی و درک علمی و حرکت علمی نبود؛ پشتوانه‌اش نبود؛ لذا خب دویست سال هم این جا معطل شدند، مدام شکست خوردند، آمدند و رفتند، آخرش هم کلاً رفتند، حتی تحت تاثیر هم قرار گرفتند و رفتند. حرکت استعمار این جور نبود؛ حرکت استعمار از اولی که شروع شد متکی شد به علم، علمی که در چه چیزی جلوه کرده بود؟ در منطقه استعماری جلوه کرده بود؛ در تفنگ. خب



در مقابل شمشیر، تفنگ یک پدیده علمی است؛ از این استفاده کردند. یا فرض کنید کشتی بخار در مقابل کشتی بادی، خب وقتی از پرتغال یا اسپانیا یا انگلیس بخواهند بروند به شبه قاره هند، وجود وسیله آبی بخار، که یک پدیده علمی است، این تأثیرش به مراتب بیشتر است تا یک کشتی مثلاً بادی ... یعنی ببینید از همان قدم های اول از علم استفاده کردند برای مقاصد سیاسی و جهانخوااری و مادی و برای سلطنت؛ و در این سلطنت به هیچ چیز هم رحم نکردند. من تقریباً اطمینان دارم که شماها خیلی وقت نمی‌کنید تاریخ استعمار را نگاه کنید. این سلول های بنیادی نمی‌گذارند که شماها به تاریخ بپردازید. حالا احتیاجی هم شاید ندارید. ما عوض شما نگاه کردیم. در مناطق استعمار شده این ها (اروپایی ها) حداکثر وحشی‌گری که ممکن است از یک انسان بروز کند را این ها نشان دادند. حداکثر که می‌گوییم با تمام معنای این کلمه می‌گوییم؛ یعنی واقعاً حداکثر؛ که ما دیگر شدیدتر از این و بدتر از این را در تاریخ نداریم. فرض کنیم که بدن انسان ها را قطعه قطعه کنند. بچه ها را جلوی مادرانشان بکشند. بچه‌ها را از مادرها جدا کنند. خانه‌ها را ویران کنند. از این کارها کردند، هم در آمریکا، هم در آفریقا و هم در آسیا، در هند و این مناطق. یعنی هیچ کوتاهی نکردند در استفاده از سلطنت علم خودشان برای تحکیم این سلطنت از جمله کارهایی که کردند جمع ثروت بوده. این ثروت را آوردند مجدداً این تولید علم را افزایش دادند. یعنی علم و سلطنت، علم و قدرت طلبی همین طور گردش کرده؛ دست به دست هم داده و هر دو را قوی کردند. این غربی که امروز می‌بینید که محصول نهایی‌اش هم فعلاً آمریکاست، این محصول یک چنین گردشی است. اولین کاری که این‌ها کردند این بوده که بزنند توی سر ملت‌ها؛ حالا ملتی مثل ملت هند، توسری خورده بود، یعنی جامعه هندی از آن حکومت‌های قبلی خودش هم که اصلاً هندی نبودند و ترک بودند، این مغولی‌ها، از این‌ها چند قرن توسری خورده بود، اما مثل ملت ایران که توسری نخورده بود، این‌ها آمدند هرچه توانستند ملت ایران را مجبور کردند به اقرار به ضعف و ناتوانی و ذلت خودش، لذاست در قضیه مثلاً قرارداد ترکمانچای که شما نگاه می‌کنید آنجا طرف قرارداد ما روسها بودند، قاعدتاً رقیب عمده آنها یعنی انگلیس‌ها بایستی طرف ایران را می‌گرفتند؛ درست به عکس عمل شده یعنی در قضیه قرارداد ترکمانچای، انگلیسی‌ها کاملاً طرف روس‌ها را گرفتند. گاهی هم به عنوان میانجی آمدند وسط؛ اما



میانجی خائن ، نه میانجی طرفدار یک طرف. آخر یک میانجی هست که به یک طرف گرایش دارد اما بالاخره ، میانجی است؛ نه میانجی خائن. مثل اینکه می آید با یکی مذاکره می کند بعد می رود می گوید من مذاکره کردم اینجوری ، بیا با هم اینجوری عمل کنیم . یعنی اینجور با هم اتحاد کردند روس و انگلیس برای زدن توی سر ایرانی ها . بعد هم که خب حکومت پهلوی آمد همه چیز را خراب کرد. حکومت پهلوی در این جهت خیلی جرم بزرگی دارد در این جهت یعنی نهادهای کردند این فرهنگ را که ایرانی جماعت برود لوله هنگ بسازد، اصلاً... این فرهنگ هنوز در کشور ما ریشه دارد یعنی متأسفانه هنوز این رسوبها در کشور ما هست. عده ای هنوز هم که هنوز است حاضر نیستند باور کنند. این شد یک سد عظیمی مثل یک سد بتنی قطور بین این ملت و بین سرمایه عظیم خودش که آن استعداد انسانی بود که ابن سیناها و فارابی ها و زکریای رازی ها و ... بقیه بزرگان علم را ساخته. حالا غیر از فلسفه و علوم انسانی و این دست علوم علم را در واقع این ها دادند به اروپایی ها. کلاً بین این ذخیره عظیم و بین ملت ایران فاصله انداخت. انقلاب اسلامی که آمد اولین کاری که کرد، بنا را گذاشت بر رخنه کردن در این دیوار؛ این دیوار را سبک کرد. امام گفتند شما می توانید. من چند سال قبل رفتم از این سدی را که بچه های سپاه ساخته بودند که بزرگترین سد خاکی کشور و یکی از بزرگترین سدهای خاکی منطقه است، همین سد کرخه، خیلی سد عظیمی است، خیلی سد مهمی است ، رفتم آنجا دیدم که بچه ها در فاصله شاید یک کیلومتر آن طرف تر، روی کوهی یا جایی درشت نوشته اند «شما می توانید» این را نوشتند و نشان دادند که می توانند. شماها قبل از انقلاب را هیچ کدام یادتان نیست ، این که ایرانی جماعت بتوانند یک سد ایجاد کنند ، حال چه یک سد خاکی چه یک سد بتنی، آن هم در ابعاد سد کرخه، یک خواب و خیال بود. اصلاً تصور اینکه بشود چنین کاری را ایرانی ها انجام دهند اصلاً به ذهن کسی نمی گذشت . حالا سد یک نمونه کوچک آن است. این کار از اول انقلاب شروع شد. رفتند به سمت این سرمایه؛ شماها با اعتماد به خودتان، با تصمیم قاطع به اینکه این کار را دنبال کنید و با استفاده از ذخیره ایمان، که حالا این هم خودش یک فصل بسیار مهمی است که به آن اشاره می کنم، توانستید خودتان رابه این ذخیره عظیم، کاملاً نزدیک کنید و از این بهره برداری کنید. این خیلی برای من ارزش دارد . من خدا را شکر می کنم بر وجود شماها ، یعنی واقعاً شماها؛



هر کدامتان، یک نعمتی هستید . یک موهبتی هستید، یک هدیه الهی هستید به این کشور و امثال شماها استعدادهای جوشان و فعال در این کشور فراوان است. باید راه باز بشود، میدان باز بشود تا این استعدادها بیایند در صحنه. منتها با آن سابقه تاریخی اگر ما بخواهیم استعدادها فعال بشوند، بایستی شما را گرامی بداریم؛ چون شما مثل آن سرباز و رزمنده‌ای هستید که می‌رود نقطه ای را فتح می‌کند و برمی‌گردد. پس معلوم شد که می‌شود فتح کرد. ببینید این چقدر افراد را تشویق می‌کند. مثل یک قهرمانی که می‌رود در یک میدان، یک قهرمان نام آور را به خاک می‌زند، پشتش را به خاک می‌رساند. پس معلوم می‌شود که می‌شود این کار را کرد. این پیشرو بودن در این قضیه خیلی ارزش دارد و شما الحمدلله در این میدان پیشرو هستید. جزو پیشروان هستید. من آن روز به یکی از دوستان راجع به این قضیه هسته ای و همین کارهایی که در زمینه هسته‌ای انجام شده، که بسیار کار با عظمت و مهمی است، گفتم این کاری که این جوان های جهاد کردند سر این قضیه سلولهای بنیادی، این عظمتش کمتر از آن کار نیست و اهمتش بسیار بالاست . به هر حال مسئله توسل و توکل و از خدای متعال راه جوئی کردن این بسیار مسئله مهمی است . خدای متعال به هر کسی که در هر راهی مجاهدت کند کمک می‌کند و اگر چنانچه این مجاهدت کننده از او کمک بخواهد، این کمک اضعاف مضاعف خواهد بود.

کمک الهی به همه هست؛ کُلًّا نُمِدُّ؛ به همه کمک می‌کنیم هولاء و هولاء یعنی هم آنهایی که در راه دنیا هستند هم آنهایی که در راه آخرت هستند.

به همه ، این آیه قرآن است: «كُلًّا نُمِدُّ»^۱. یعنی هرکسی که تلاش کند خود او کمک می‌کند منتهی آن کسی که این تلاشش برای خداست و در راه خداست این کمک الهی اضعاف مضاعف است. برای خاطر این که در جهت ساخت عمومی عالم وجود است. عالم تکوین همه هستی، «يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ» شما وقتی سبحان الله می‌گویید یک سبحان الله که شما می‌گویید خودتان را هماهنگ کردید با این منظومه عظیم؛ با این ارکستر عظیمی که همه دارند می‌گویند سبحان الله؛ با این هماهنگ شدید. وقتی با جریان هستی انسان هماهنگ شد، به طور طبیعی پیشرفتش جلوتر است. شما برخلاف جریان بخواهید شنا کنید تا با جریان شنا کنید این تفاوتش خیلی زیاد است. با جریان هستی حرکت کردید . لذا موفقیت شما زیاد خواهد بود. به همین دلیل هم





هست که ما اولاً این پیشرفتهایی که داریم در بخش های مختلف، حالا اگر نگویم عموماً که شاید مواردی خلاف این باشد، غالباً مال همین بچه های مؤمن و حزب الهی و اینهاست. در همین قضیه هسته ای هم همینجور است. در قضایای دیگری هم که ما داریم همین طور است. یعنی آن جاهایی که انسان، یک برجستگی مشاهده می کند، کار این بچه های مؤمن و بچه های متوسل و متوکل به خدای متعال است. من هرچه دیدم، در جنگ هم همینجور بود، بعد از جنگ هم همینجور است و این ها هستند که توانسته اند این راه را باز کنند و اعتماد به نفس را پیدا کنند. این اعتماد به نفستان خیلی ارزش دارد، این توکلتان به خدا فوق العاده ارزش دارد. این راه ها را دنبال کنید و در این قضیه هم انشاء... پیش بروید. نتایج عملی اش را به طور محسوس و ملموس بگذارید در دست این مردم. این ملت ما خیلی ملت عزیز و مظلومی هستند. به این ملت در طول سالهای متمادی خیلی ظلم شده؛ خیلی این ها تحقیر شده اند. برای اندک چیزی مجبور شدند دست به طرف کسانی دراز کنند که آنها برای این ها هیچ قدر و احترامی قائل نبودند. چه قدر از این بیمارهای ما که به مناسبت های مختلف در طول سالیان می رفتند خارج، مورد آزمایش دارو و عمل و معاینات خاص قرار گرفتند که اینها را ما اطلاع پیدا کردیم. که خب الحمدلله خیلی از این کم شده؛ به برکت تلاشی که افراد مؤمن و خوب ما، مسئولین خوب ما انجام داده اند. این ملت در راه های مختلف تحقیر شده، با این که این همه ارزش در وجود او نهفته است.

امروز هم اروپایی ها و غربی ها علت اصلی دشمنی و ستیزه گری شان با ما این است که می بینند دارد از دست در می رود این مجموعه استعماری با برخاستن ملت ایران، این مجموعه دارد از دست در می رود یعنی دارند تشویق می شوند ملت ها به خودباوری.

هر کاری که شما در این زمینه علمی، چه در این زمینه خاص که بسیار ارزشمند است انجام بدهید، چه در همه زمینه های علمی دیگر، این در حقیقت کمک به همه دنیای اسلام و درواقع به همه بشریت است. خیلی ما متشکریم از این گزارش خوبی که دادید و بسیار متشکریم از این کارهای بسیار بارزشی که انجام دادید و از خدای متعال خیلی متشکریم که به شما ها توفیق داده و دل های شما را اینجور مجذوب لطف و رحمت خودش قرار داده. بحمدالله، این که یک کار خوبی را انسان توفیق پیدا کند، بعد به سجده بیفتد، این خیلی با ارزش است.



اینها چیزهایی است که می ماند. بدانید که این ها در تاریخ، خواهد ماند. این ها می ماند در تاریخ. این کارهای اصیل، این نقطه های اصیل، این ها همان سلولهای بنیادی است. سلول های بنیادی رفتار بشری همین هاست. همین توجه به خدا، شکر خدا، افتادن به سجده که آن وقت از این، همه جور سلولی را می شود ساخت. همه جور کاری را می شود از این، استحصال کرد. اصل قضیه این است. شما سلولهای بنیادی را الحمدلله در هر دو ناحیه به دست آوردید. خدا را شکر والسلام.





مجموعه بیانات
رهبر معظم انقلاب اسلامی
در دیدار با مدیران و اعضای جهاد دانشگاهی

بیانات در دیدار اعضای
هیأت علمی و کارشناسان
جهاد دانشگاهی
۱ تیر ماه ۱۳۸۳



اولاً خیلی خوشحالم از اینکه امروز در این جا با جمع فرزنانگان و نخبگان جوان و محققانی که آینده ی درخشانی را برای فضای علمی کشور نوید می دهند، دیدار داریم. مطمئن باشید که اگر وقت و مجال بود و یک یک شما درباره ی مسائل جهاد، علم، تحقیق و کارهایی که مشغول هستید صحبت می کردید، من با رغبت تمام گوش می کردم و لذت می بردم. نعمت وجود شما برادران و خواهران عزیز را به درگاه خداوند متعال عمیقاً شاکر هستم و از آن جایی که «لَا نَشْكُرُكُمْ لِأَزِيدَنَّكُمْ»، امیدوارم که به برکت شکر و سپاس قلبی ای که من پیش خدا به خاطر وجود شماها دارم، خداوند به وجود شماها برکت، و کم و کیف شما را روزبه روز افزایش دهد.

یک جمله درباره ی جهاد دانشگاهی عرض می کنم؛ یک جمله در باب مسأله ی علم و تحقیق در کشور و یک جمله هم در باب این مسأله جاری ما که جنگال جهانی برای مسائل هسته ای ایران به راه افتاده است.

در مورد جهاد دانشگاهی من اعتقادم این است که این ترکیب - جهاد و دانشگاه، و تلفیق جهاد که یک امر ارزشی معنوی است با علم و دانش و با دانشگاه - دارای پیام است؛ نشان می دهد که می توان علم جهادی و نیز جهاد علمی داشت. این همان کاری است که شماها مشغولید. علم شما علم جهادی است؛ با جهاد و با اجتهاد همراه است؛ دریوزه گری و منتظر نشستن برای هدیه شدن علم از این سو و آن سو نیست. دنبال علم می روید تا آن را به دست بیاورید. این علم جهادی و علم برخاسته ی از مجاهدت و اجتهاد و تلاش است. از طرفی شما مشغول جهاد هستید. جهاد یعنی مبارزه برای یک هدف والا و مقدس. میدانهای دارد؛ یکی از میدانهایش حضور در نبردهای مسلحانه ی رایج جهانی است. میدان سیاست هم دارد؛ میدان علم هم دارد؛ میدان اخلاق هم دارد. ملاک در صدق جهاد این است که این حرکتی که انجام می گیرد، جهت دار و مواجه با موانعی باشد که همت بر زدودن این موانع گذاشته می شود؛ این می شود مبارزه. جهاد یعنی یک چنین مبارزه ای، که وقتی دارای جهت و هدف الهی بود، آن وقت جنبه ی تقدس هم پیدا می کند. شما مبارزه ی علمی می کنید؛ زیرا این کار شما به طور واضح، دشمنان بسیار سرسختی دارد که نمی خواهند این حرکت علمی و تحقیقی انجام



بگیرد؛ لذا به نظر من جهاد دانشگاهی فقط یک نهاد نیست، بلکه یک فرهنگ است؛ یک سمت گیری و حرکت است. هرچه بتوانیم ما این فرهنگ را در جامعه گسترش دهیم و آن را پایدار و استوار کنیم، کشور را به سمت سربلندی و عزت و استقلال حقیقی بیشتر پیش برده ایم. خوشبختانه جهاد به انتظاری که از آن می رفت، پاسخ داد. یک روز شاید فکر می شد که جهاد یک حرکت گلخانه ای است که برای نمونه سازی درست کردیم. امروز این گلخانه دارد فضای جامعه را به گلستان تبدیل می کند. نه تنها به نمونه سازی اکتفا نکرده، بلکه برکات خودش را دارد سرریز می کند. همین آمارهایی که دادند - البته قبلاً هم برایم فرستاده بودند و مرور کرده بودم - بسیار پرمعناست. این که شما در صفوف مقدم علم در بعضی از بخشها دارید حرکت می کنید و آن را برای پیشرفت علمی و صنعتی و فناوری کشور به کار می گیرید و تحقیق را رشد می دهید، معنایش این است که این گلخانه دیگر گلخانه نیست، بلکه فضای باز و معطری است که در حال گسترش است و من طرفدار این گسترش هستم. باید این گسترش روزبه روز بیشتر شود. در اولین گزارشی که ایشان ذکر کردند، تولید و تکثیر و انجماد سلولهای بنیادی بود که من گزارشهای بسیار خرسندکننده ای را از این کار تحقیقی برجسته دریافت کردم که اینها گویا اولین بار در دنیا - آن طور که در ذهنم هست - سلولهای انسولین ساز را تولید کردند و من اخیراً در روزنامه خواندم که سلولهای بنیادی قلب را برای ترمیم قلب به مرحله ی آزمایش و عمل درآورده اند و پیوند زده اند. اینها معنایش همان سرریز شدن این برکات به سطح جامعه است. بقیه ی مواردی هم که ذکر کردند، هر کدام مثال بارزی برای برکات جهاد دانشگاهی است. در دنیا برای این که ثابت کنند که علم، ذات سکولار دارد و دانش با ارزشها کاری ندارد، خیلی سعی شد و برایش فلسفه درست کردند؛ استدلال کردند و بحث کردند، برای این که مفهوم دانش را یک مفهوم مجرد از ارزشها معرفی کنند؛ درست نقطه ی مقابل کاری که الان شما کرده اید. شما می گوید جهاد دانشگاهی. جهاد یک ارزش است. حقیقت مطلب هم این است که علم و عقل، ابزار دو جنبه ای است؛ می تواند در خدمت ارزشها قرار بگیرد؛ می تواند در خدمت حیوانیت و سبّیّت قرار بگیرد؛ بستگی به این دارد که مدیریت علم با چه کسی است. اگر مدیریت علم به دست انسانهای دنیاطلب و قدرت طلب و زراندوز و سلطه طلب بود، همین می شود که امروز شما در



دنیا مشاهده می کنید؛ یعنی علم، ابزاری برای استعمار، استثمار، تحقیر ملت‌ها، اشغالگری و برای ترویج فحشاء سکس و هروئین خواهد شد. اگر علم نبود، استعمار هم نبود. اروپایی‌ها به برکت علمشان توانستند در دنیا راه بیفتند و ملت‌ها را زیر سلطه‌ی استعمار بگیرند و به اختلاف مناطق، ۱۰۰، ۱۵۰ و ۲۰۰ سال ملت‌ها را عقب نگه دارند و آنها را از سرمایه‌های مادی خودشان محروم کنند؛ استعدادهای انسانی شان را سرکوب کنند و کشتار به راه بیندازند. وقتی علم در مدیریت انسان‌هایی قرار گرفت که جز به جنبه‌های حیوانی زندگی نمی‌اندیشند، همین خواهد شد. اما اگر علم به وسیله‌ی بندگان صالح مدیریت شد، آن وقت خدمت می‌کند و زیان نمی‌رساند. اگر آن کسانی که انرژی هسته‌ای را کشف کردند، اهل فضیلت و تقوا بودند، اگر آن کسانی که آن را به کار گرفتند، اهل فضیلت بودند و بندگان صالح، هرگز حادثه‌ی هیروشیما پیش نمی‌آمد. تا امروز هم که شما نگاه می‌کنید، می‌بینید که این‌ها تا آن جایی که می‌توانند، همچنان از این نیروی مخرب استفاده می‌کنند. این قدرتها توان هسته‌ای ضعیف شده را در جنگ ده، دوازده سال پیش که با عراق داشتند به کار بردند، در همین حوادث هم از آن استفاده کردند و در بعضی از مناطق دیگر دنیا هم این سلاح را به کار بردند که مایه‌ی قطع نسل و حرث شد؛ «يُهْلِكُ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ»، که منطبق بر آیه‌ی قرآنی است. انسان‌ها را مقطوع النسل و زمین‌ها را ضایع کردند. سال‌های متمادی - خدا می‌داند - آثار مخرب آن اشعه‌ی مسموم کننده و نابودکننده را برای ملت‌ها و برای نسل‌های آینده باقی گذاشتند. اگر مدیریت علم دست انسان‌های صالح باشد، این مسائل پیش نمی‌آید و علم در خدمت بشریت قرار خواهد گرفت؛ چون این ظرفیت را دارد و می‌تواند این طور باشد. بنابراین، اینکه ما بیابیم علم را سکولاریزه کنیم؛ ثابت کنیم که علم نمی‌تواند با ارزش همراه باشد، یک مغالطه‌ی بسیار بزرگ و فریب بزرگ برای ذهن انسان‌هاست؛ نخیر؛ علم می‌تواند با ارزش همراه باشد. معنویت اسلامی با حیوانیت، با فساد و با سوءاستفاده از علم مشکل دارد، نه با دانش و فناوری و تحقیق. می‌تواند معنویت همراه با علم باشد و می‌تواند نتایج دانش و پژوهش، در جهت معنویت حرکت کند.

شما اسمتان جهاد دانشگاهی است؛ روی این اسم تکیه کنید و به مقتضای این اسم تمسک کنید و حقیقتاً جهاد کنید. وقتی جهاد؛ یعنی تلاش هدفدار برای خدا، وجود داشت، بدون تردید موفقیت هم با آن همراه





خواهد بود. ما راهی که به سمت مرزهای پیشرفته ی دانش در همه ی زمینه ها داریم، مسلم بدانید که جز با روحیه ی استقلال، روحیه ی توکل به خدا و روحیه ی کار برای ایمان طی نخواهد شد. باید این راه را سریع طی کنیم و راههای میانبر را پیدا کنیم و خودمان را برسانیم؛ مرزهای دانش را باز و مرزهای جدیدی را ایجاد کنیم. این کار ممکن است؛ زیرا این جا سرزمین علم خیز است و شماها نشان دادید که می شود. درهای بسیاری از این دانشها بر روی کشورهایی مثل کشور ما و غیردارندگانش بسته است و وقتی اجازه می دهند دانش منتقل شود، که کهنه و دستمالی شده و از نو بودن و طراوت افتاده است. البته در همه ی زمینه ها همین طور است؛ در زمینه های علوم انسانی هم همین طور است. من آن روز به دوستانی که در زمینه های اقتصاد و مدیریتهای گوناگون کشوری کار می کنند و در این جا بودند گفتم که مطالبی را امروز بعضی ها در این جا دنبال می کنند که منسوخ شده است. نظریات برتر آنها به بازار آمده و مورد عمل قرار گرفته و آنها مشغول کار هستند، ولی تعدادی در این جا - کسانی که مجذوب حرف آنها هستند - تازه دارند آن دنباله ها را مطرح می کنند! بعضی می گویند تعبد پیش خدای متعال و پیش دین نداشته باشیم، اما خودشان در مقابل غرب و در مقابل اروپا و امریکا تعبد دارند! این افراد تعبد در مقابل خدا را قبول نمی کنند، ولی تعبد در مقابل سرمایه داری غرب و دستگاه های قدرت سیاسی متکی به آن سرمایه داری را با جان و دل می پذیرند! این نهاد انقلابی است؛ انقلابی بمانید. توصیه ی مؤکد من این است. حرکت انقلابی بر خلاف القائنات افراد خبیث و یک عده از قلم به مزدهای داخلی که آن را ترویج می کنند و این طور القا می کنند که انقلاب یعنی آشفتگی؛ سردرگمی؛ هیچی به هیچی نبودن و سنگ روی سنگ بند نشدن نیست؛ بلکه انضباط انقلابی، برترین و قوی ترین انضباطهاست. بی نظمی ای که اول انقلاب دیده می شود، به خاطر این است که بنای غلط و کج و پوسیده ای وجود دارد که باید آن را به هم ریخت و بنای نویی گذاشت. آن به هم ریختگی متعلق به اول انقلاب است. انقلاب که آن به هم ریختگی نیست؛ انقلاب یک امر مستمر است. انقلاب یعنی سازندگی؛ یعنی رویش و بالندگی. رویش و بالندگی بدون انضباط، بدون قانون و بدون نظم مگر ممکن است؟! بهترین کارها را کسانی کرده اند که با روحیه ی انقلابی کرده اند؛ هم در جنگ، هم در سازندگی و هم در علم و مسائل فرهنگی. بنابراین، انقلابی بمانید. روحیه ی انقلابی یعنی



اسیر حدود تحمیلی نشدن؛ قانع به گیرندگی قطره چکانی نشدن؛ با امید دنبال هدف حرکت کردن و با انگیزه، با نشاط، با اصرار و پیگیری آن را به دست آوردن. این، انقلاب و حرکت انقلابی است.

درباره ی مسأله ی علم و تحقیق باید بگویم که عمده ی موضوع‌هایی که قدرتهای سلطه گر در نظام سلطه ی جهانی برای حفظ این رابطه ی سلطه گر و سلطه پذیر رویش تکیه می‌کنند، سه موضوع است: سلطه ی فرهنگی، سلطه ی اقتصادی، سلطه ی علمی. لازمه اش هم این است که نگذارند آن طرف سلطه پذیر یا آن کسی که سلطه بر او تحمیل شده، در این سه زمینه به استقلال و به خودباوری و به پیشرفت برسد؛ نه در زمینه ی مسائل فرهنگی، شامل ایمان و اعتقاد و فرهنگی به معنای خاص؛ ارزشها و هدفها و جهت‌گیری‌ها؛ نه در زمینه ی اقتصادی، و نه در زمینه ی علمی.

کشورهای تحت سلطه هرگز یک اقتصاد درست و حسابی نداشته اند گاهی یک رونق ظاهری داشته اند؛ که می‌بینید در بعضی از کشورهای تحت سلطه رونق ظاهری دارند؛ اما ساخت اقتصادی خراب است؛ یعنی اگر یک شیر را رویشان ببندند؛ یک حساب را مسدود کنند، یا تصرف اقتصادی کنند، همه چیز فروخواهد ریخت و نابود خواهند شد. شما دیدید که یک سرمایه دار توانست چند کشور آسیای جنوب شرقی را در مدت دو سه ماه به ورشکستگی برساند؛ آن هم دو سه کشوری که توسعه ی نسبتاً خوب و رونق اقتصادی داشتند. رئیس یکی از همین کشورها در همان روزها به مناسبتی به تهران آمده بود و با بنده ملاقات کرد و گفت: «همین قدر به شما بگویم که ما در یک شب بکلی فقیر شدیم!» یک سرمایه دار آمریکایی، یهودی مثل نخی که به یکباره می‌کشند و یک بنا؛ بنای عروسی، روی هم می‌ریزد، عمل کرد و یک نخ را کشید و همه چیز را به هم ریخت. آمریکایی‌ها آن جایی که لازم داشتند، پنجاه، شصت میلیارد تزریق کردند - پنجاه میلیارد به یکی، سی میلیارد به یکی دیگر - اما آن جایی که لازم نداشته باشند، تزریق نمی‌کنند و آن کشور را به خاک سیاه می‌نشانند. البته تزریق کردن یعنی این که دوباره همان ساخت عروسی را به شکل دیگری برپا کنند. به هر حال، نمی‌گذارند اقتصاد این کشورها استحکام پیدا کند.

در رابطه با فرهنگ کشورهای تحت سلطه، اولین کاری که سلطه گران می‌کنند - که از قدیم مرسوم بوده است - این است که فرهنگ این کشورها را؛ زبانشان، ارزشهایشان، سنتها و ایمانشان را با تحقیر، با فشار، با





زور، و در مواقعی به زور شمشیر و درآوردن چشم - که در تاریخ مواردی از آن را داریم - نابود می کردند و نمی گذاشتند که مردم به زبان خودشان تکلم کنند؛ برای این که زبان وارداتی را قبول کنند. وقتی انگلیسیها به شبه قاره هند آمدند، زبان فارسی را که زبان دیوانی رایج بود، نگذاشتند پابرجا بماند و با گلوله و با فشار گفتند که حق ندارید فارسی حرف بزنید؛ فارسی را منسوخ کردند؛ انگلیسی را به جایش آوردند. در دوره ی حکومت سیاه پهلوی ها هم باورهای مذهبی و عمومی و نیروبخش به جامعه؛ ایمان و اعتقادات را از مردم بتدریج بیرون کشاندند و غیرتزدایی و ایمانزدایی کردند.

یکی از موضوعهایی که نمی گذارند در کشورهای زیر سلطه رشد کند و بشدت مانع آن می شوند، مسأله ی علم است؛ چون می دانند علم ابزار قدرت است. خود غربی ها با علم به قدرت رسیدند. این یکی از پدیده های تاریخ بود. البته علم بین شرق و غرب دست به دست گشته و برای مدتی هم آنها در جهالت بودند. در همان دوره ی قرون وسطی، که خودشان توصیف می کنند، در این طرف دنیا وقت شکوفایی علم بوده است؛ اما به مجردی که آنها به علم رسیدند، از علم به صورت یک ابزار برای اقتدار و کسب ثروت و گسترش سلطه ی سیاسی و جذب ثروت ملتها و تولید ثروت برای خودشان استفاده کردند و از آن ثروت، باز تولید علم کردند و علم را بالا بردند و دانش خودشان را رشد دادند. آنها می دانند که علم چقدر در قدرت بخشیدن به یک ملت و به یک کشور تأثیر دارد، لذاست که اگر بخواهند نظام سلطه؛ یعنی رابطه ی سلطه گر و سلطه پذیر باقی بماند و حاکم بر نظم جهانی باشد، باید نگذارند آن بخشی که آنها مایل اند سلطه پذیر باشند، دارای علم شوند. این یک استراتژی است که بروبرگرد ندارد و الان رفتارشان هم در دنیا بر همین منوال است؛ لذا باید برای کسب علم و تحقیق جهاد کرد؛ باید کار کرد.

ما در دوران قبل از انقلاب سالهای متمادی از علم دور ماندیم. یک دوره، دوره ی خواب و غفلت مطلق بود؛ یک دوره هم که بیداری و آگاهی به طور طبیعی در بین ملتها به وجود آمد، دوره ی فریب بود. نمی گذاشتند علم به معنای واقعی کلمه وارد کشور شود؛ سرگرم می کردند و راه تحقیق را باز نمی کردند؛ استعدادها را پرورش نمی دادند و تشویق نمی کردند. انقلاب آمد این دیوارها و این مرزها و این محدودیتها را برداشت و خودآگاهی علمی به وجود آمد؛ اما این حرکت بدون مدیریت، بدون حرکت و بدون عزم و اراده به جایی نخواهد رسید. همه ی کارها، از



جمله مسأله‌ی تحقیق و علم، مدیریت سازمان یافته لازم دارد؛ لذا بایستی این کار را پیش بُرد. البته بخشی از این کار مربوط به مسؤولان دولتی، است و بخشی، مسؤولیت دانشگاه‌ها و بخش دیگر مربوط به مسؤولیت مراکز علمی است و شما به عنوان جهاد دانشگاهی، جزو بهترین مراکز هستید که می‌توانید در این مسأله اهتمام بورزید و احساس مسؤولیت کنید که البته می‌کنید. خوشبختانه من شاهد م می‌بینم که پیشرفت شما در کار علم خیلی خوب بوده؛ دنبال کنید.

رئیس محترم جهاد دانشگاهی پیشنهاد کردند که مسأله‌ی تولید علم و نهضت نرم‌افزاری - این شعاری که ما مطرح کردیم - به وسیله جهاد دانشگاهی مدیریت شود. این موضوع برای من مطلب تازه‌ای است که کاملاً قابل بررسی است. کار علمی تان را اهمیت بدهید. البته کار فرهنگی هم جداگانه به همین اندازه اهمیت دارد؛ کار روی ایمان، کار روی باورهای شجاعت آور، عزت‌آور و آگاهی‌آور، که ایمان اسلامی جامع همه‌ی اینهاست. این موضوع خودش یک بحث جداگانه‌ای است که البته در جای خود شما به آن هم می‌پردازید که آن نیز بسیار خوب است.

و اما راجع به این مسأله‌ی اخیر که دشمنان جمهوری اسلامی و در رأس آنها و خبیث‌تر از همه‌ی آنها دولت ایالات متحده‌ی آمریکا جنجال علیه جمهوری اسلامی درست کردند و آن را مستمسکی دانسته‌اند برای این که بتوانند روی جمهوری اسلامی فشار بیاورند. این همان احقاد بدریه و خبیثه و حنیفه است؛ آن‌کینه‌های انباشته‌ی ناشی از انقلاب اسلامی و قطع‌ید آمریکا از این کشور، که می‌خواهند آنها را در این جا به یک نحوی جبران کنند. آنها دهانهای آلوده‌شان را علیه ملت ایران باز کردند و هرچه به دهانشان آمد گفتند. کسانی که به فریب و دروغ و تقلب شهره‌ی جهان هستند، جمهوری اسلامی را متهم کردند به فریب‌گری و خلاف‌گویی! کسانی که خیانت و دشمنی آنها با نوع بشر از روز روشن تر است و همه دارند آن را در صحنه‌های مختلف می‌بینند، جمهوری اسلامی را به نقض حقوق بشر متهم کردند! و خود به عنوان مدعیان حقوق بشر در صحنه ظاهر می‌شوند! آمریکای رسوا که زندانهای آن در سرتاسر جهان و از جمله در عراق و در افغانستان است - چند روز پیش در خبرها آمده بود که آمریکا حدود بیست زندان از قبیل زندان ابوغریب دارد - و این مجموعه‌ای که امروز دارند داعیه‌ی حاکمیت بر دنیا را بر روی دوش خود حمل می‌کنند و مظهر فاجعه‌آفرینی و ضدیت



با حقوق انسان و وحشیگری کامل هستند، ادعا می کنند که طرفدار حقوق بشرند! ببینید چقدر باید برای بشر انحطاط باشد و واقعاً برای نسل بشر امروز، ننگی، از این بالاتر نیست که یک چنین انسانهایی، یک چنین وحشی هایی؛ گرگهای خون آشام و درنده، ادعا کنند که طرفدار حقوق بشرند! و آن وقت همین ها دهانهایشان را علیه جمهوری اسلامی باز کردند و یاوه گویی و هرزه درایی کردند و هر چه به دهنشان آمد گفتند البته آنها درعین حال دو کار دارند می کنند: از آن طرف یاوه گویی می کنند و متهم می کنند که جمهوری اسلامی دارد بمب اتم درست می کند، فاصله اش تا سلاح اتمی این قدر فاصله ی کمی است و امروز اگر اراده کند، چند ماه دیگر یا دو سال دیگر به سلاح اتمی دست خواهد یافت؛ از طرف دیگر و با زبان دیگری این طور وانمود می کنند که فایده ای ندارد و دنبال دانش هسته ای نگردید. کوچک ابدالها و غلامان حلقه به گوششان هم در داخل همین کارها را دارند دنبال می کنند و این مطالب را می نویسند. این قلم به مردها، که متأسفانه در کشور ما همیشه بوده اند، می گردند تا قلم و نوشته و دست و هنر خودشان را دقیقاً در خدمت همان موضوعی قرار دهند که دشمن این ملت دنبال آن است. این متملق های حقیر و پست و البته پُرمدعا، با زبانهای مختلف می گویند دنبال دانش هسته ای نگردید و اگر آن را می خواهید، باید بروید عتبه ی آمریکا را ببوسید تا بتوانید به آن برسید. آنها می گویند، اینها هم همان را بازتاب می دهند و تکرار می کنند.

بین فناوری هسته ای و سلاح هسته ای، خلط مبحث می شود و حقیقت قضیه غیر از اینهاست؛ در حالی که این دو ربطی به همدیگر ندارند و دو چیز هستند. سلاح هسته ای بر غنای بالای نود درصد اورانیوم و با تکنولوژی پیچیده متوقف است و کسی دنبالش خواهد رفت که انگیزه اش را داشته باشد. ما انگیزه اش را نداریم، دنبالش هم نرفته ایم و نمی خواهیم برویم. ما احتیاجی به بمب هسته ای نداریم. ما تا امروز اگر بر دشمنان خودمان غلبه کرده ایم، با بمب هسته ای غلبه نکردیم. ملت ایران بیست و پنج سال است آمریکا را شکست داده؛ مگر غیر از این است؟ آمریکا که بیست و پنج سال از ملت ایران شکست خورده، با چه شکست خورده؟ ما با بمب هسته ای آمریکا را شکست دادیم یا با عزم، اراده، ایمان، آگاهی و با اتحاد خودمان؟ ما فهمیده ایم چه می خواهیم؛ فهمیده ایم دنبال چه چیزی هستیم؛ راه را هم شناختیم و حرکت هم کردیم و از توپ و تشر این و آن هم نترسیدیم. ما این طوری



غلبه پیدا کردیم. ما با بمب هسته‌ای که غلبه پیدا نکردیم. شوروی سابق مگر بمب هسته‌ای نداشت؟ تعداد بمبهای هسته‌ای شوروی سابق احتمالاً از تعداد بمبهای هسته‌ای آمریکا بیشتر هم بود. شکست نخورد؟! پیروزی و شکست در صحنه‌های اساسی دنیا با این چیزها نیست. ما امروز یک الگو را به دنیای اسلام ارائه کردیم؛ الگوی مردم سالاری دینی، الگوی استقلال و عزت ملی. امروز دنیای اسلام علیه آمریکا در طول بیست و پنج سال بسیج شده‌اند و ملت‌ها مرگ بر آمریکا می‌گویند. مرگ بر آمریکا را چه کسی می‌گفت؟ غیر از جمهوری اسلامی و غیر از ملت ایران چه کسی می‌گفت؟ امروز همه دارند می‌گویند. ما با بمب اتم پیش نرفتیم. پیروزی در صحنه‌های عظیم و تاریخی و ماندگار که با این سلاحها حاصل نمی‌شود. امروز رژیم صهیونیستی مگر بمب هسته‌ای ندارد؟ آن طور که نقل می‌کنند، دویست یا شاید سیصد کلاهک هسته‌ای الان در داخل انبارهای رژیم صهیونیستی هست؛ اما رژیم صهیونیستی الان چند سال است که در برابر طرف مقابلش که تفنگ هم ندارد و فقط سنگ دارد؛ البته سنگ همراه با اراده و سنگ با پشتوانه‌ی ایمان، عاجز مانده است. مسأله‌ی ما مسأله‌ی بمب هسته‌ای نیست؛ ما بمب هسته‌ای را می‌خواهیم چه کار کنیم؛ وانگهی وقتی از بمب هسته‌ای استفاده می‌کنند، فقط آنهایی که دشمن هستند کشته نمی‌شوند، بلکه کسانی هم که دشمن نیستند کشته می‌شوند و این بر خلاف عقیده‌ی ماست؛ بر خلاف ممشى و روش ماست. بمب هسته‌ای که برّ و فاجر را می‌برد؛ خوب و بد را از بین می‌برد؛ تر و خشک را با هم می‌سوزاند، کار نظام اسلامی نیست. و اما مسأله‌ی فناوری هسته‌ای و آن مقداری که ما دنبالش هستیم، مقوله‌ی دیگری است. این جا فقط اشتراکی که دارند، در ماده‌ی اورانیوم است. آن، اورانیوم نود درصد و صنعت پیچیده‌ی سلاح سازی را احتیاج دارد، و این، اورانیوم بین سه و چهار درصد برای سوخت نیروگاه اتمی که امروز ما در بوشهر داریم. اورانیوم غنی شده‌ی سه تا چهار درصد کجا و بالای نود درصد کجا؟! این چیزی است که طبق مقررات بین المللی برای همه آزاد است و هیچ اشکالی ندارد؛ همه‌ی کشورها اگر به اورانیوم نیاز داشته باشند یا نیاز هم نداشته باشند می‌توانند آن را تا سه، چهار درصد تولید کنند. معاهده‌ی بین المللی NPT هم وجود دارد که همه قبول کرده‌اند، ما هم قبول کردیم و از لحاظ مقررات جهانی هم هیچ اشکالی ندارد. اگر ما این فناوری را نداشته باشیم، معنایش این است که فردا که راکتور هسته‌ای بوشهر ساخته شد،



ما برای سوختش باید برویم در خانه ی این کشور و آن کشور را بزنیم و بگوییم به ما سوخت بدهید. اگر یک روز به هر دلیلی - به دلیل سیاسی، مسائل بین المللی و یا روابط دوجانبه - نخواستند به ما سوخت بدهند، یعنی اینکه ما دیگر نیروگاه نداریم؛ آنها این را می خواهند. آنها می خواهند شما بخاری را داشته باشید، نفت بخاری دست آنها باشد. یعنی وابستگی را با ایجاد راکتور هسته‌ای بیشتر کنند، نه کمتر. آنچه امروز جنجال آمریکاییها علیه ایران را به وجود آورده و اینها را دستپاچه کرده. این است که اینها دارند می بینند که ایران نیروگاه هسته‌ای را به وجود آورده و می‌تواند برق هسته‌ای تولید کند و سوخت و خوراک آن را هم خودش در داخل تولید می‌کند. این، اولین نقطه ی نگرانی اینهاست. من یک وقت گفتم که اگر نفت در اختیار آنها بود و ما احتیاج به نفت داشتیم، یک بطری نفت را به قیمت پدر و مادرشان به ما می‌فروختند. این طور نبود که یک بشکه ی نفت را مثلاً فرض کنید بیست، سی یا سی و پنج دلار - و در واقع مفت - که ما الان داریم می فروشیم، بفروشند. ولی می بینید که کشورهای دارای نفت، سرمایه ی تجدیدنشدنی خودشان را تبدیل می کنند به یک پول ناقابل. اینها می خواهند همین معادله را در مسأله ی سوخت اتمی به وجود بیاورند؛ یعنی کاری کنند که اگر ما نیروگاه اتمی هم داریم، برای سوختش محتاج آنها باشیم. نقطه ی دوم نگرانی آنها این است که از این ناراحت اند که این دانش در داخل رشد کرده و رویتده است؛ یعنی در واقع بومی است. البته این به معنای آن نیست که ما این دستگاه را اختراع کردیم؛ نه، بلکه به این معناست که ما برای فراگیری این کار در خانه ی آنها نرفتیم. محققان جوان خودمان - همین جوانهایی مثل شما - و صدها مغز متفکر و خوشفکر توانسته اند این دستگاه عظیم را راه اندازی کنند و به نتیجه برسند؛ دانش را در میان خودشان بارور کنند؛ فناوری را به وجود بیاورند و در خانه ی این و آن نروند. این یکی از نگرانیهای آنهاست؛ چرا؟ چون می بینید این درست بر خلاف آن فلسفه ی استکباری است که کشورهای که می‌خواهند تحت سلطه باشند، نباید در دانش و فناوری استقلال داشته باشند؛ باید دستشان دراز باشد؛ محتاج آنها باشند. آنها می دانند که اگر امروز کشور و ملت ایران توانست بر قله ی این فناوری بنشیند، سخن حق او در دنیا که همان استقلال امت اسلامی و عزت اسلامی است، بیشتر در بین مسلمانها و در جوامع اسلامی جایگزین خواهد شد و ذهن ها بیشتر آن را قبول خواهند کرد؛ از این ناراحت‌اند؛



لذا جنجال می کنند. بنابراین حقیقت قضیه غیر از آن چیزی است که آنها می گویند.

مسئولان کشور ما در زمینه ی مسائل سیاسی این کار، آنچه که باید بگویند گفتند. آقای رئیس جمهور و مسئولان این پروژه ی هسته ای و وزارت خارجه ی ما آنچه که گفتند، درست است. پاسخ یاره گویی ها و زیاده طلبی های دیگران را آنها دادند. من در صدد این نیستم که در این زمینه چیزی بگویم. من می خواهم حقیقت مطلب برای ملت ایران روشن شود. ملت ایران نمی خواهد یک ظلم مضاعف را قبول کند. اظهار نگرانی می کنند که شما ممکن است از این طریق بتوانید به سلاح هسته ای دست پیدا کنید. اگر اروپایی ها و دیگران حقیقتاً راست می گویند و نگران سلاح هسته ای هستند، ما می گوئیم نه، مطمئن باشید؛ ما دنبال سلاح هسته ای نیستیم؛ به همان دلیلی که گفتیم. اما اگر از این که ملت ایران این فناوری فاخر و برجسته را که متعلق به خود اوست و بومی است دارد، ناراحت اند و می خواهند آن را متوقف کنند، باز هم به آنها می گوئیم مطمئن باشید که ملت ایران زیر بار نخواهد رفت. آنچه که امروز محققان، دانشمندان و دولت ایران در زمینه ی فناوری هسته ای انجام می دهند، وظیفه ی بزرگ آنهاست و کار بزرگی است و این کار برای جلوگیری از وابستگی به بیگانگان و برای حفظ استقلال ملی است که به آن نیاز دارد. یاره گوها و یاره بافها بیخود سعی نکنند این طور بپراکنند که چه لزومی دارد این کار و چرا دنبالش می کنند. نه، این نیاز ملت ایران است. امروز کشورهای پیشرفته ی دنیا بیشترین یا سهم مهمی از انرژی برق خودشان را از نیروگاه های هسته ای تولید می کنند، نه از نفت که هم سرمایه ی دودزاست و هم تمام شدنی و هم قابل تبدیل به چیزهای بسیار ارزشمندتر از سوخت. آنها که می خواهند ملتهای دارای نفت را از این موهبت محروم کنند، می گویند شما که نفت دارید؛ دیگر به انرژی هسته ای چه نیازی دارید؟ مگر باید نفت را تمام کنیم، بعد دست به طرف شما حتماً دراز کنیم؟! سرنوشت ملتها نیاز به شماست؟ آنها می گویند نفت را مصرف کنید؛ بعد دستتان که خالی شد، محتاج ما شوید؛ بیايد در خانه ی ما. ملت ما نمی خواهد این را قبول کند و ما باید به سمت انرژی هسته ای برای تولید برق برویم؛ این نیاز کشور ماست؛ باید به این راه برویم، والا عقب ماندگی های یکی دو قرن گذشته، باز هم مضاعف خواهد شد و آن وقت یک قرن دیگر این ملت را عقب می اندازند. بنابراین رفتن دنبال این کار، وظیفه ی ملی است. وقتی که





دنبال این کار می‌رویم، بایستی قضیه را بومی کنیم و اگر بومی نکنیم، باز همان وابستگی و باز همان نیاز است. وقتی می‌خواهیم وابسته نباشیم و کار بومی باشد، البته فشار هست. باید در مقابل فشارها مقاومت کرد. آنهایی که نفهمیده علیه این فکر حرف می‌زنند، نمی‌فهمند و ملتفت نیستند که دارند به این ملت خیانت می‌کنند و همان چیزی را که آمریکا می‌خواهد، بیان می‌کنند و بر زبان می‌آورند: «چه لزومی دارد؟ چه احتیاجی داریم؟ ولش کنیم!» بله؛ معلوم است که آنها دلشان می‌خواهد ما هیچ چیز تولید نکنیم و غذای حاضرمان را هم از آنها بگیریم؛ به شرطی که پول داشته باشیم. وقتی هم نداشتیم، اگر ملت از گرسنگی بمیرند، آنها که ابایی ندارند؛ چون هزارهزار می‌کشند و از مردن هزارهزار و میلیون میلیون هم هیچ باکی ندارند. وظیفه‌ی ملی ما امروز این است که دنبال این فناوری و فناوری‌های مشابه، هر چه که ما را به اوج قله‌ی علم نزدیک کند برویم و امروز دنبال کردن آن برای ملت ما واجب است و برای کسانی که می‌توانند، وظیفه‌ی آنهاست تا بتوانند ملت را به عزت برسانند و از وابستگی رها کنند. از خداوند متعال می‌خواهیم که همه‌ی شماها را موفق بدارد؛ مؤید بدارد؛ کسانی که در راه استقلال علمی کشور دارند تلاش می‌کنند، ان شاءالله پیش‌پیش‌پیش خدای متعال مأجور و موفق باشند و ملت ایران ان شاءالله در پیشبرد این حرکت علمی و تحقیقی - که جوانهایش امروز بحمدالله شروع کردند - روزبه روز موفق تر باشند.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته





مجموعه بیانات
رحمطعم انقلاب اسلامي
در دیدار با مدیران و اعضای جهاد دانشگاهی

بیانات
در جریان بازدید از
پژوهشگاه رویان
۲۵ تیر ماه ۱۳۸۶





چند سالی است که یک حرکت مبارک علمی در کشور آغاز شده؛ همه این را قبول دارند که این تحرک ارجمند تقریباً در بین مجموعه‌ی اهل علم کشور اعم از استاد و دانشجو و محقق و دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی کم و بیش گسترده است. بنده وظیفه دارم نسبت به این حرکت عظیمی که دانشمندان، محققان و استادان ما در سرتاسر کشور ایجاد کرده اند، به سهم خودم حق‌گزاری و ابراز قدردانی کنم.

امروز آمدن من به این مرکز در واقع یک حرکت نمادین است برای قدرشناسی از حرکت علمی عظیم و وسیعی که خوشبختانه در کشور ما شروع شده؛ اگرچه هنوز در آغاز راه است. اینجا را انتخاب کردیم، اولاً به خاطر رویان؛ ثانیاً به خاطر جهاد دانشگاهی. مؤسسه‌ی رویان، یک مؤسسه‌ی موفق و یک نمونه‌ی کامل و چشمگیر از آن چیزی بود و هست که انسان آرزویش را دارد. علت اینکه من به مرحوم سعید کاظمی این قدر علاقه داشتم و الان هم در دلم و در ذهنم برای آن جوان عزیز، ارزش و جایگاه قائلم، همین است. حرکت او، نحوه‌ی کار او، مدیریت او، پیگیری او، یک مجموعه‌ی کاملی بود از آن چیزی که آدم دوست میدارد و آرزو دارد، که حالا من اندکی در این باره عرض خواهم کرد. رویان هم با کمک او و بقیه‌ی همکارانی که در رویان از اول مشغول بوده اند، اینجوری بارآمد؛ اینجوری رشد کرد؛ اینجوری روید؛ و من این را از اوایل کار احساس کردم. آن دوست مشترک من و مرحوم کاظمی که شرح قضایای کاری ایشان را در آغاز کار - پانزده شانزده سال قبل و درخواستهای او را با من مطرح کرد، من نشانه‌های یک حرکت درست را در این کار احساس کردم؛ لذا گفتم من در حد مقدور خودم در خدمت این کار و پشتیبانی این کار قرار می‌گیرم. هرچه زمان گذشت، آن ظن اولی تقویت شد؛ تکذیب نشد.

اگر بخواهم این الگوی مطلوب را در یک جمله معرفی کنم، عبارت است از: ترکیب علم، ایمان، تلاش. هم علم را جدی گرفتند، هم ایمان و پابندی و تقوا را؛ نه به صورت یک سربار، بلکه به شکل یک عنصر اصلی در بافت مجموعه و در بافت کار؛ و هم خستگی را فراموش کردند، که به گمان من مرحوم کاظمی، جان و سلامت خودش را هم سر همین کار گذاشت؛ یعنی این دنبال‌گیری و این اهتمام‌ها و خسته نشدن‌ها. لذا رویان در چشم من بسیار گرامی است و عزیز است و شما جوان‌ها و



مردان و زنان مؤمن و عزیزی که در این مجموعه کار می‌کنید، برای من عزیز هستید و معتقدم رویان، استعداد بسیار زیادی برای کار کردن و برای پیش رفتن دارد. از قول من نقل کرده‌اند که من گفته‌ام: «این سلول بنیادی، یک حرکت علمی است»، واقعش همین است؛ همین‌طوری که این سلولهای بنیادی شما، یک دامنه‌ی تمام نشدنی برای تحقیق دارند - که هرچه شما تحقیق می‌کنید، پیش می‌روید، یک میدان دیگری باز می‌شود که می‌بینید می‌توان آن را موضوع تحقیق قرار داد و پیش رفت و به مرزهای جدیدتری رسید - رویان هم همین‌جور است؛ این مجموعه‌ی شما هرچه کار کند، پیش برود، باز قابلیت پیشرفت دارد و یکایک محققان، پژوهشگران معتقد به علم و با ایمان - که در این مجموعه یا هر مجموعه‌ی دیگری از این قبیل هستند - همین حکم را دارند؛ یعنی توانایی اینها تمام نشدنی است. و اما جهاد دانشگاهی را انتخاب کردم، چون جهاد دانشگاهی مولود مبارک انقلاب است. همین طور که در قرآن کریم در مقایسه‌ی دو مسجد می‌فرماید: «الْمَسْجِدُ الْأَسْنَى عَلَى النَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ، فِيهِ رَجُلٌ يَجِبُونَ أَنْ يَنْظُرُوا»، جهاد دانشگاهی همین‌جور است؛ جزو معدود رویشهای اصلی خود انقلاب است. این معنایش این نیست که جهاد از اول در هر برهه‌ای از زمان، هر جور بوده، هر جور فکر کرده، هر جور کار کرده، درست است؛ نه، ما آدمها گاهی درست فکر می‌کنیم، گاهی غلط فکر می‌کنیم، گاهی درست عمل می‌کنیم، گاهی غلط عمل می‌کنیم. ملاک قضاوت، این تناوبها و پیچ و خمها نیست. ملاک قضاوت، هدفگیری و جهتگیری و استمرار در حفظ این هدف است؛ ولو حالا گاهی انسان خطایی هم بکند؛ لغزشی هم بکند. من هویت جهاد را در نظر دارم که برکات زیادی هم بحمدالله داشته. حالا من یک جمله در باب جهاد می‌گویم؛ بعد هم یک چند جمله‌ای در باب علم و تحقیق و آینده‌ی کار کشور در این زمینه عرض خواهم کرد.

جهاد دانشگاهی مرکب از دو کلمه است دیگر: جهاد و دانشگاه؛ هم باید در آن جهاد باشد، هم باید متناسب با دانشگاه باشد. جهادی عمل کردن، مفهوم خاصی دارد. هر جور کاری، جهادی نیست.

جهاد با جهد و تلاش از لحاظ ریشه یکی‌اند؛ یعنی در آن، معنای جهد و کوشش وجود دارد؛ اما جهاد فقط این نیست. جهاد یعنی مبارزه؛ مبارزه در همین اصطلاح متعارف فارسی امروز ما. مبارزه انواع و اقسامی دارد: مبارزه‌ی علمی داریم، مبارزه‌ی مطبوعاتی داریم، مبارزه‌ی سیاسی داریم،





مبارزه ی اقتصادی داریم، مبارزه ی نظامی داریم، مبارزه ی آشکار داریم، مبارزه ی پنهان داریم؛ اما یک نقطه ی مشترک در همه ی اینها وجود دارد و آن اینکه در مقابل یک خصم است؛ در مقابل یک مانع است. مبارزه با دوست معنی ندارد؛ مبارزه در مقابل یک دشمن است.

فرض کنید در دوران اختناق، کسی هر هفته مثلاً پنج تا کتاب می خواند؛ خیلی کار بود؛ اما لزوماً مبارزه نبود؛ جهد بود، جهد نبود. اگر می خواست جهد باشد، باید کتابی را می خواند که در حرکت او در مواجهه ی با رژیم طاغوت و رژیم اختناق، تأثیر داشت؛ آنوقت می شد جهد. خاصیت جهد این است. دایره ی جهد شما علم و فناوری است؛ یعنی شما اینجا از شمشیر و نیزه و ژ ۳ نمی خواهید استفاده کنید؛ از مغز و امکانات اندیشمندی درون انسان و فکر و قلم و چشم و اینها می خواهید استفاده کنید. مجموعه، مجموعه ی علمی است؛ اما در چه جهتی باشد تا جهد باشد؟ این مهم است. نگاه کنید ببینید برای کشور شما، برای انقلاب شما، برای اهدافی که این انقلاب ترسیم کرده، کدام دشمن عنود در کمین نشسته و شما باید با آن دشمن عنود مبارزه کنید؟ کارتان در آن صراط که شد، می شود جهد. بنابراین، اگر دنبال علمی بگردید که این علم، دشمنان آن اهداف را نه فقط ناراضی نمی کند، خرسند هم می کند، این جهد نیست. فرض کنیم جهد دانشگاهی یا فلان مؤسسه ی مربوط به جهد دانشگاهی بگویند در سال فلان، صد یا پانصد مقاله از من در «ISI» منتشر شده. این، ملاک نیست. این مقاله چه بود؟ در چه جهت بود؟ به چه درد شما خورد؟ آن کسانی که با آرمانهای شما دشمن اند، نسبت به این مقاله چه موضعی داشتند؟ آیا آنها احساس خطر کردند؟ البته سیاستپوشان - اهل علم که نگاهشان جور دیگری است - یا نه، احساس خطر نکردند.

وقتی که راجع به سلولهای بنیادی شبیه سازی و این طور کارها آقایان حرف زدید و بنده یا دیگری هم تجلیلی از این کار کردند، مقامات آمریکایی اعلام کردند که برای علوم ژنتیک هم باید شورای حکامی به وجود بیاید! این معنایش چیست؟ دشمن از اینکه شما در این رشته دارید حرکت می کنید، دردش آمده است. مثالهای واضحش را عرض میکنم؛ هزاران مثال دارد. آن روزی که شما مثلاً بتوانید آنچنان راداری بسازید که از هیچ نقطه از فضای آسمان این کشور، هیچ جنبنده ای نتواند وارد شود، آن روز دشمن دردش می آید؛ یعنی این تیری است که مستقیم می خورد به دشمن. این، می شود جهد.



در حرکت جهادی، در علم جهادی، در تحقیق جهادی، این عنصر حتماً شرط است. دشمن هم مقصود آمریکا نیست. حالا ما در مقام صحبت، دشمن واضحمان آمریکا و استکبار جهانی است. نه، دشمن‌ها انواع و اقسامی دارند. یک وقت یک کارتل بزرگ مالی و اقتصادی از اینکه شما بتوانید مثلاً کارخانه‌ی سیمان بسازید ناراحت می‌شود؛ مانع تراشی می‌کند؛ نمی‌گذارد، که الان در گزارشهایی که در اینجا به من دادند، از جمله همین مسئله بود. دلشان می‌خواهد یک شورای حکام هم درست کنند برای ساخت سیمان، که هر کس حق نداشته باشد کارخانه‌ی سیمان بسازد یا تولید سیمان کند. کار جهادی باید هدفمند، درست متوجه به آرمانها و هوشمندانه و عاقلانه و دشمن شکن باشد. یعنی به همان معنایی که ما مبارزه را در اصطلاح معمولی به کار می‌بریم: «دارم مبارزه می‌کنم؛ این یک مبارزه است.» این، یک تعبیر مصطلح است. در جهاد، این معنا هست. این، تعریف بخش جهاد.

و اما دانشگاهی. دانشگاهی یعنی سطح این فعالیت و تحرک، یک سطح راقی است؛ متناسب با دانشجو و استاد و ذهن فعال علمی است. در همه‌ی کارها همین باید رعایت شود. عوام‌گرایی و عوام‌پسندی در کار و در همه‌ی فعالیتها نباید دخالت داشته باشد. البته بخشی از فعالیتها علمی است و خوب است، مثل همین تحقیقات؛ اما فرض بفرمایید اگر فعالیت در زمینه‌های علوم انسانی و فرض کنید در ادبیات است، باید حرفی که از اینجا بیرون می‌آید، فراتر از آن حرفی باشد که ممکن است یک ادیب معمولی بزند. یعنی سطح، باید سطح راقی‌ای باشد. خیلی از حرفها در زمینه‌ی علوم انسانی - که حالا ما در آن سابقه داریم و بلدیم و واردیم - مثل تاریخ، مثل ادبیات، مثل فلسفه که اینها مسائل بومی کشور ماست، هست. برخی از این مسائل، حرفهای عادی‌ای است؛ حرفهای متعارف است؛ جهاد دانشگاهی هم که نزنند، هر کسی می‌تواند بزند. جهاد دانشگاهی باید حرف‌گزین، حرف‌برتر را به میدان بیاورد. از باب مثال، شما فعالیت قرآنی دارید. فعالیت قرآنی را خیلی‌ها دارند؛ همه‌اش هم خوب است - می‌دانید من جزو کسانی هستم که نسبت به فعالیتهای قرآنی، دنبال‌گیری و احساس مسئولیت ویژه دارم؛ از قبل از انقلاب، الان هم همین‌جور است. یعنی اگر در یک مسجدی ده نفر جوان هم جمع شوند تلاوت قرآن کنند، از نظر من مطلوب است؛ این را دوست می‌دارم - لکن شما اگر فعالیت قرآنی می‌خواهید بکنید، باید فعالیت قرآنی شما با فعالیت قرآنی غیر دانشگاهی فرق داشته باشد. لذا



اگر شما هم فرض کنید بخواهید همان لحن و نوا و شیوه‌ی فلان قاری و تجوید و صدای خوش و... را مثل بقیه تکرار کنید، البته خیلی خوب است؛ اما فعالیت جهاد دانشگاهی در قرآن این نیست؛ یک چیزی فراتر از این است. ببینید باب فهم دانشگاهی در مواجهه‌ی با قرآن چیست. بروید سراغ فهمیدن قرآن. قرآن خوان شما جووری باشد که وقتی قرآن می‌خواند، جلسه‌ای که مستمع قرآن اوست، مفاهیم قرآن را با دل خود لمس کند؛ حس کند؛ و جلسه‌ی قرآن خوانی شما، جلسه‌ی مفاهیم قرآن هم باشد. اینها ابتکار لازم دارد؛ باب شماست.

بنابراین، جهاد دانشگاهی این امکانات و این وسائل را دارد و بنده به جهاد دانشگاهی اعتقاد راسخ دارم. کارهای بزرگی کرده‌اند؛ کارهای خوبی کردید و همینطور که گفتیم: «أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ». از اول تا حالا که ما جهاد دانشگاهی را شناختیم، بر اساس دین و تقوا بود. بر اساس دین و تقوا نگهش دارید.

چند دقیقه‌ی پیش با دوستان اینجا صحبت بود و عرض کردیم سعی کنید هویت جهاد، تغییر پیدا نکند. اینی که شما می‌بینید هویت بعضی از اشخاص - فکرهاشان، ترکیب‌های ذهنی‌شان - از اول انقلاب تا حالا ۱۸۰ درجه عوض شده، این یک روال و ممشای طبیعی نیست که بگویید طبیعتش همین است دیگر؛ نخیر، هرگز این جووری نیست. طبیعی این است که اگر انسان یک فکر و یک راهی را به منطق و استدلال پذیرفت، این را تا آن نقطه‌ی آخر راه برود و اگر عمرش کفاف نداد، در این راه بمیرد. این طبیعی نیست که ما بگوییم: یک راهی را حرکت کنیم برویم؛ گاهی هم با شور و خیلی هیجان، بعد از یک نقطه، ناگهان زاویه بزنیم؛ بعد، این زاویه‌ها این قدر ادامه پیدا کند که تبدیل شود به عکس؛ این، به هیچ وجه طبیعی نیست. بعضی‌ها توجیه می‌کنند: «خوب آقا، اول انقلاب، اول انقلاب بود؛ حالا زمان اثر گذاشته، ما عوض شدیم!» نخیر، زمان بر روی عنصرهای ضعیف و بی ریشه و اعتقادهای واهی و مبتنی بر احساس محض اثر می‌گذارد؛ یا زمان با همراهی طمعها و هوسها اثر می‌گذارد. «إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا»^۱. قرآن می‌گوید: «آنهايي که در جنگ احد برگشتند؛ طاقت نیاوردند بایستند، این لغزش اینها به خاطر آن کاری است که قبلاً کردند. ما وقتی روح را نساختیم، خودمان را محکم نکردیم، معلوم است؛ هر مماسی روی آن اثر می‌گذارد؛ یکی، دو تا، سه تا، ناگهان می‌بینید که شکش عوض شد؛ اما وقتی که مثل فولاد آبدیده،



محکم و استوار و بر مبنای تفکر درست و منطق صحیح، هویت دینی انسان شکل گرفت و هویت انقلابی شکل گرفت، هرچه زمان بگذرد، این هویت روشن تر، واضح تر، جذاب تر، مستحکم تر می شود. آدمها این جورند؛ نهادهای هم این جورند. نگذارید نهاد جهاد دانشگاهی، تبدیل شود به یک هویت دیگر؛ به یک هویت غیر دینی، غیر انقلابی. من یک بار در جمع همین عزیزان جهاد دانشگاهی مطلبی را چند سال پیش گفتم، که یادم هم نبود؛ این را برای من آوردند، خواندم و یادم آمد - باید این هویت صحیح را و این هویت ایمانی را حفظ کنید و باقی بماند. خوشبختانه همین جور هم بوده و تا حالا هم باقی مانده است؛ چون ساخت جهاد دانشگاهی و نوع مدیریت، نوع عملکرد، نوع ارتباط رأس با بدنه، جهت گیریها، خواستها، خواسته های خوبی بوده است - آنچه که آن روز گفتم، این بود که بعضی ها تصور می کنند انقلابیگری، یک حرکت انقلابی، یعنی حرکت بی انضباط همراه با شلوغی، سردرگمی و بی نظمی! می گویند آقا؛ آنها انقلابی بود و تمام شد! این، غلط است. مطلقاً در ذات تحرک انقلابی، اغتشاش و بی نظمی نیست. بعکس، انضباط انقلابی از محکمترین و قویترین انضباطهاست. انضباطی که ریشه از ذهن انسان، از دل انسان، از ایمان انسان می گیرد، بهترین انضباطها را دارد. اول انقلابها از جمله انقلاب ما، بی نظمی هائی دیده می شود که این ناشی است از آغاز حرکت انقلابی؛ چون یک بنای کهنه ی درهم ریخته باید نابود شود و جایش یک بنای دیگر بیاید. این، چیز طبیعی ای است؛ ولی وقتی که بنای نو، بنای جدید ساخته شد بر پایه های درست، حرکت براساس آن، حرکت منضبط و خوب خواهد بود و پیش خواهد رفت و این، انقلابی است. بنابراین انقلابیگری را با بی نظمی و با شلوغ کاری و با نشناختن ضابطه و قانون نباید اشتباه کرد. علی ای حال، جهاد دانشگاهی از جاهایی است که ما به آن امید داریم برای آینده ی علمی کشور. اما راجع به مسئله ی علم و تحقیق؛ من این را عرض بکنم: کشور ما بدون حرکت در جاده ی گسترش دانش و گسترش پژوهش، امکان ندارد بتواند به نقطه ی مطلوب خودش دست پیدا بکند؛ مخصوص کشور ما هم نیست. کلید، دانش و پژوهش است.

دانشمند شدن یک ملت هم به این نیست که دانسته های دیگران را فرا بگیرد. آن، مقدمه ی کار است. علم یک دامنه ی وسیعی دارد؛ انحصاری نمیتواند باشد که ما فرض کنیم یک مجموعه ای از کشورها و یا ملتها هستند که نخبگان اینها علم را باید تولید کنند، مرزهای جدیدی را برای علم





تعریف کنند، یک مقداری خودشان استفاده کنند، یک مقداری هم که زیاد آمد، بدهند دیگران استفاده کنند. این نمی شود. این نسبت، این شکل کار، معنایش همین عقب ماندگی دائمی بخشی از کشورها، همین رابطه ی ظالمانه ی بین کشورها، همین مسئله ی دنیای اول و دنیای دوم و دنیای سوم و شمال و جنوب و همین حرفهایی است که جزو ادبیات رایج سیاسی در این قرن و قرن قبل بوده و شده.

همه ی انسانها توانایی دانش پژوهی و دانشمندی را دارند. استعدادها البته مختلف است، لکن هیچ کشوری نیست که در آن انسانها توانایی این را نداشته باشند که در این دامنه ی وسیع و عظیم علم بالقوه و بالاستعداد، یک جایگاهی برای خودشان پیدا کنند و یک نقشی در آن ایفا کنند. اگر کشوری که سابقه ی او تاریخ او تجربه ی او، نشان میدهد که توانایی استعداد او، توانایی بالایی است و از متوسط بالاتر است - که کشور ما قطعاً از این قبیل است - این بایستی در ایجاد علم، در توسعه ی علم در پیشرفت علم نقش ایفا کند و اگر توانست این نقش را ایفا کند، آنوقت این عقب ماندگی، این تبعیض و بی عدالتی در همه ی زمینه های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی از بین خواهد رفت و خواهد شد دارای سهم برابر در مقابل کشورهای دیگر و در مقابل قدرتهایی که امروز وجود دارند. آنوقت می تواند خودش را اداره کند، روی پای خودش بایستد؛ یک چیزی بدهد؛ یک چیزی بگیرد؛ اما امروز این جور نیست.

امروز نظام سلطه در دنیا بنایش بر گرفتن و دادن نیست؛ بنایش بر گرفتن حداکثری و دادن حداقلی است، ثروت را می کند، امکانات را می کند، اختیارات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی را در کشورها می کند و در اختیار می گیرند و در مقابل، گاهی هیچ چیز نمی دهند، گاهی چیز مضری می دهند، گاهی هم یک چیزکی به آن کشور نقطه ی مقابل می دهند. الان بافت سیاسی دنیا این است: سلطه گر و سلطه پذیر.

اگر بناست این بافت به هم بخورد و کشورها بتوانند به قدر ظرفیت ملتهایشان و استعداد ملتهایشان در روابط عالم جایگاهی داشته باشند، عمده ترین چیزی که در این کار تأثیر دارد، علم است. بنابراین علم را باید جدی گرفت؛ باید پیش رفت. ما حرکتمان شروع شده، لکن هنوز در اول کاریم. هم باید به مراکز علمی و تحقیقی کمک بشود؛ هم به پروژه های علمی، پروژه های تحقیقی و فناوری باید کمک بشود؛ هم بایستی این میل به علم و تحقیق و پژوهش، همه جا گسترش پیدا کند. باید مخصوص استاد و محقق هم نماند؛ در محیط دانشجویی و

فضای دانشجویی گسترش پیدا کند؛ یعنی دانشجو میل به علم آموزی و تولید علم پیدا کند که این کاری است که احتیاج دارد به تدبیر و با توصیه و خواهش و تمنا و سفارش و دستور و این‌ها، نخواهد شد. مسئولان بخشهای آموزشی کشور ما؛ چه وزارت آموزش و پرورش، چه وزارت علوم و وزارت بهداشت و درمان، چه بخشهایی که مربوط به مسائل برنامه ریزی فرهنگی اند، در این زمینه مسئولیت دارند. آنها کاری بکنند که محیط دانشگاهی، محیط علم طلبی باشد. واقعاً این جوان خواهد عالم بشود و فقط مسئله این نباشد که بخواهد مدرکی بگیرد، یا حالا اسمی مثلاً برای یک کار کوچکی در بیاورد. این، حرکت لازم دارد. این حرکت باید ادامه پیدا کند. کمک دولت و دستگاههای مسئول و کمک کسانی که جایگاهی دارند که میتوانند اثرگذار باشند بر روی ذهن مخاطبانشان، در این زمینه حتماً لازم است. و من اصرارم بر این است که هر وقت ما برای پیشرفت علم کار می‌کنیم، این را فراموش نکنید که علم و دین توأمانند. علم مجرد از دین و دور از دین، ولو در گام اول، در کوتاه مدت، یک کشوری را به یک نقطه‌ای از افتخار هم برساند، اما در بلندمدت، برای بشریت زیانبار است؛ کما اینکه دارید می‌بینید که زیانبار است.

علمی که از دین جدا شد و خودش را متعهد به دین ندانست، نتیجه اش همین می‌شود که امروز در دنیا رایج است؛ علم وسیله‌ی زورگویی است، وسیله‌ی استثمار است، وسیله‌ی تخریب حرث و نسل است و محصول علم، بمب اتم است از یک طرف؛ از طرف دیگر، محصول علم، این مواد مخدر کذایی است؛ محصول علم، روی کار آمدن سیاستمداران دور از همه‌ی احساسات انسانی است در خیلی از کشورهای دنیا. علم را باید با دین همراه دانست. علم را برای خدا و در راه خدا باید تحصیل کرد و به کار گرفت. این، جزو تعالیم اولیه‌ی ما باید باشد؛ در همه جا. و توفیقات این علم هم بیشتر است؛ این را به شما عرض بکنم. نگویند اگر علم را مقدس کردیم و با دین همراه کردیم و مؤمن کاری درآوردیم، دیگر پیشرفت نمی‌کند؛ نخیر، الان همین خود جهاد دانشگاهی شما، همین مجموعه کارهای شما - که به وسیله‌ی عناصر مؤمن این همه کار بزرگ انجام گرفته - نشان دهنده‌ی این است که علم وقتی با ایمان همراه باشد، توفیقاتش هم بیشتر خواهد بود. چیزهای دیگری هم من اینجا یادداشت کرده‌ام، که عرض بکنم؛ منتها دیگر وقت گذشت؛ ساعت دوازده است. امیدواریم ان شاءالله این دیدار ما بتواند پیامی باشد برای جامعه‌ی



علمی کشور از سوی مجموعه ی دستگاه؛ پیام قدرشناسی، پیام ارجمندسازی، پیام حق‌گزاری از حرکت علمی و بالخصوص درباره ی جهاد دانشگاهی و بالاخص در مورد مؤسسه ی رویان؛ و امیدواریم خداوند به همه ی شماها اجر بدهد، پاداش بدهد و امیدواریم که خداوند ان شاءالله روح مرحوم کاظمی عزیز را از برکات و تفضلات خودش برخوردار کند و خانواده ی محترمشان هم که اینجا تشریف دارند، ان شاءالله مشمول صبر و سکینه ی الهی قرار بگیرند و ما روزبه روز شاهد توفیقات بیشتر شما عزیزان در رویان و در جهاد دانشگاهی باشیم.

والسّلام علیکم و رحمة الله و برکاته





مجموعه بیانات
رهبر معظم انقلاب اسلامی
در دیدار با مدیران و اعضای جهاد دانشگاهی

دیدار
رئیس ، مدیران و محققان
جهاد دانشگاهی
با رهبر معظم انقلاب اسلامی
۱۹ خرداد ماه ۱۳۹۳





به دلیل عدم دسترسی به مشروح بیانات معظم له در این دیدار، از متن گزارش خبری درج شده در پایگاه اطلاع رسانی دفتر رهبر معظم انقلاب اسلامی استفاده شده است.

حضرت آیت الله خامنه ای رهبر معظم انقلاب اسلامی صبح امروز (دوشنبه) در دیدار رئیس، مدیران، پژوهشگران و محققان جهاد دانشگاهی، لازمه ادامه صحیح و پرشتاب حرکت علمی کشور را، «کار و مدیریت جهادی» و تقویت روحیه «ما می توانیم» با حفظ جهت گیریهای انقلابی و اسلامی و ترسیم دقیق جایگاه و وظایف، در چارچوب نقشه جامع علمی دانستند و تأکید کردند: هدف گذاری حرکت علمی کشور باید افزایش دانش جهانی از طریق تولید فرآورده های جدید و ناشناخته دانش بشری در چارچوب ارزشهای انسانی، باشد.

رهبر انقلاب اسلامی در این دیدار با گرامیداشت «روز جوان»، مهمترین ویژگی جهاد دانشگاهی را برخورداری از نیروی جوان و در عین حال متخصص و دارای تفکر جهادی برشمردند و گفتند: جهاد دانشگاهی، نهادی مهم است زیرا هم با دانشگاه به عنوان سنگر علم و مرکز پیشرفت علمی کشور مرتبط است و هم دارای تلاش جهادی است و در مقابل موانع و مزاحمت ها از حرکت نمی ایستد.

حضرت آیت الله خامنه ای با تأکید بر اینکه پرهیزگاری، نیت الهی و توکل به خداوند متعال، از لوازم تلاش و حرکت جهادی است، افزودند: چنین تفکر و روحیه ای در کارهای علمی، موجب عنایت پروردگار و باز شدن راهها بسوی پیشرفت علمی خواهد شد.

ایشان در همین خصوص به شبهه ای اشاره کردند و گفتند: ممکن است برای برخی این سؤال پیش بیاید که اگر تقوای الهی زمینه ساز پیشرفت علمی است، پس چگونه برخی دانشمندان که تقوا نداشتند و حتی به خدا هم معتقد نبودند، توانسته اند به پیشرفتهای علمی دست پیدا کنند؟ رهبر انقلاب اسلامی برای پاسخ به این سؤال، به وعده الهی در قرآن کریم مبنی بر اینکه هر فرد برخورداری از تلاش و پشتکار، به محصول و هدف مورد نظر در مسیر حرکت خود، خواهد رسید، اشاره کردند و افزودند: اما میان کیفیت محصول و پیشرفتی که در چارچوب تلاش با جهت گیری الهی و حرکت در مسیر غیرخدایی به دست می آیند، تفاوت اساسی وجود دارد.



حضرت آیت الله خامنه ای در تبیین این تفاوت گفتند: امروز با وجود پیشرفت های گسترده علمی در عرصه های مختلف، خطرات، ضررها، انحطاط ها و قدرت طلبی هایی نیز برای بشریت بوجود آمده و این آفات انسانها را دچار رنج ها و گرفتاریهای فراوانی کرده است.

ایشان خاطر نشان کردند: اگر تلاش ها و حرکت های علمی در چارچوب جهت گیریها و تقوای الهی باشند، قطعاً نتایج و محصولات آنها، از ضررها و فجایع به دور و برای بشریت نافع خواهند بود.

رهبر انقلاب اسلامی افزودند: با چنین دیدگاهی می توان نتیجه گرفت که دستاوردهای علمی مجموعه دانشگاهی و تحقیقاتی کشور در ۳۵ سال گذشته، قطعاً از دستاوردهای ۳۵ سال بدون شرایط و روحیه جهادی، بیشتر و با کیفیت تر است.

حضرت آیت الله خامنه ای خاطر نشان کردند: بر همین اساس اگر این حرکت علمی ۱۵۰ سال دیگر نیز ادامه یابد، پیشرفتها و دستاوردهای ملت ایران، به مراتب بیشتر از حرکت علمی کشوری همانند امریکا، در ۱۵۰ سال گذشته خواهد بود.

ایشان با اشاره به فاصله روز افزون علمی دنیای غرب با کشورهای شرقی و آسیایی، تأکید کردند: پُر کردن این شکاف و فاصله علمی، نیازمند حرکت جهادی است.

رهبر انقلاب اسلامی نیت خالص، ارتباط با خداوند، خشوع در مقابل پروردگار و زاویه پیدا نکردن با اهداف الهی را از پایه های اصلی حرکت و مدیریت جهادی برشمردند و افزودند: اگر این روحیه بوجود آمد، خداوند در همه میدانها اعم از مدیریت کشور و مدیریت علمی، سیاسی، اجتماعی و تعاملات جهانی کمک خواهد کرد و راهها را بر روی بندگان خود خواهد گشود.

حضرت آیت الله خامنه ای، تقویت روحیه خود باوری و «ما می توانیم» را از ضروریات حرکت جهادی دانستند و گفتند: متأسفانه در سالهای متمادی تلاش شد تا به ایرانی تلقین شود که «نمی تواند» اما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، امام بزرگوار (ره)، روحیه «ما میتوانیم» را وارد فرهنگ و ادبیات سیاسی و انقلابی کشور کرد و نتیجه آن اکنون، بصورت بروز توانایی های ملت ایران، در عرصه های گوناگون، قابل مشاهده است.

ایشان خاطر نشان کردند: با وجود تزریق روحیه خودباوری در سالهای بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، اما همچنان ریشه فرهنگ غلط «ما نمی توانیم» قلع و قمع نشده است و متأسفانه هنوز عده ای در زمینه های مختلف، نگاه به بیگانگان و پیشرفتهای علمی، سیاسی، نظامی و مادی آنها دارند.



رهبر انقلاب اسلامی در همین خصوص یک نکته را متذکر شدند و گفتند: «ما می‌توانیم»، به معنای اِبا داشتن از فراگیری علم و دانش از دیگران و صاحبان پیشرفتهای علمی نیست اما آنچه که باید توجه کرد، آموختن دانش است و نه، گرفتن دانش به همراه ارزشها و جهت‌گیریهای غلط آنها.

حضرت آیت الله خامنه‌ای تأکید کردند: در موضوع حرکت و پیشرفت علمی، آنچه که باید به عنوان هدف مد نظر قرار گیرد، افزودن بر دانش جهانی و تولید فرآورده‌های جدید دانش بشری است.

ایشان گفتند: امروز ما به واسطه پیشرفتهای علمی کشور، می‌توانیم برخی از پیچیده‌ترین و پیشرفته‌ترین فناوریهای دنیا را بسازیم که مایه افتخار است اما این پیشرفتها قبلاً بوسیله دانشمندان دیگر کشورها به دست آمده، بنابراین باید به دنبال تولید محصولات جدید علمی باشیم که دانش بشری تاکنون نتوانسته است آنها را به دست آورد و دارای آثار مخربی هم برای بشریت نباشند.

رهبر انقلاب اسلامی در همین خصوص به دانش هسته‌ای به عنوان یکی از پیشرفتهای مهم و پیچیده علمی بشریت اشاره کردند و افزودند: این دانش، با وجود اهمیت بالایی که دارد اما زمینه ساز تولید سلاح مخرب اتمی شده که صددرصد بر ضد بشریت است.

حضرت آیت الله خامنه‌ای خاطرنشان کردند: ما باید در مسیر پیشرفت علمی خود بدنبال کشف ناشناخته‌های علمی باشیم که زندگی انسانها را متناسب با ارزشهای انسانی، ارتقاء دهد و در عین حال آثار مخربی برای بشریت نداشته باشد.

ایشان در ادامه سخنان خود به شکل‌گیری جهاد دانشگاهی براساس تفکر انقلابی اشاره کردند و گفتند: باید جهت‌گیری و مسیر انقلابی جهاد دانشگاهی حفظ شود و نباید گذاشت این مرکز مهم علمی گرفتار آسیب‌های ناشی از پیچ و خم‌های سیاسی و «چپ‌روی‌ها» و «راست‌روی‌های» غلط عرصه سیاسی شود.

رهبر انقلاب اسلامی یکی از آسیب‌های فراز و فرودهای محیط‌های سیاسی را دگردیسی برخی افراد دانستند و افزودند: افرادی که روزی با انگیزه‌های تند انقلابی حرکت می‌کردند، اکنون دیدگاههای آنها ۱۸۰ درجه تغییر کرده و حتی بینات انقلاب اسلامی برای آنها نامفهوم است. باید مراقب بود، این خصوصیات به مجموعه جهاد دانشگاهی راه پیدا نکند.

حضرت آیت الله خامنه‌ای، مسئولان جهاد دانشگاهی را به استفاده از



جوانان انقلابی و تقویت و تثبیت عناصر جوان انقلابی در دانشگاهها از طریق حرکت علمی توصیه و خاطرنشان کردند: یک نمونه از عناصر مؤمن، انقلابی و تأثیرگذار در حرکت علمی کشور، مرحوم دکتر کاظمی است که با ایمان و اخلاص خود، توفیقات زیادی را در مؤسسه رویان به دست آورد و دانشمندان برجسته ای را نیز تربیت کرد.

ایشان تأکید کردند: یکی از مهمترین کارها، در جهاد دانشگاهی تربیت شخصیت های مؤمن و برجسته علمی، با جهت گیریهای انقلابی و دلبسته به آرمانهای انقلاب، است.

رهبر انقلاب اسلامی با تأکید بر لزوم تدوین چشم انداز میان مدت و بلندمدت جهاد دانشگاهی در چارچوب جایگاه و وظایف این مجموعه در نقشه جامع علمی کشور، افزودند: مسئولان جهاد دانشگاهی باید با یک کار علمی و دانش بنیان، تعریف صحیحی از نحوه تعامل با دستگاههای مختلف و مدیریت این تعامل ارائه دهند تا براساس یک هدف گذاری دقیق بتوانند خانه های مربوط به خود را در جدول بزرگ نقشه علمی کشور، به درستی پُر کنند.

حضرت آیت الله خامنه ای در پایان تأکید کردند: جهاد دانشگاهی باید با پرهیز از کارهای جزئی، به سراغ کارهای اساسی و عمیق تر برود. در ابتدای این دیدار آقای دکتر طیبی رییس جهاد دانشگاهی در گزارشی با تشریح اهداف، چشم انداز و برنامه های جهاد دانشگاهی گفت: پشتوانه معنوی، دینی و سرمایه انسانی و نیروهای جهادی ما را بر آن داشته تا با روحیه و عزمی راسخ از گفتمان انقلاب اسلامی صیانت کنیم و مجاهدت انقلابی را با محیط دانشگاهی پیوند بزنیم.

وی باور به ظرفیت ها و توانمندی های داخلی، تقویت خلاقیت و نوآوری همراه با حفظ مولفه های بومی، طراحی ساختارهای علمی - تحقیقاتی، ایجاد فضای عمل برای دانشجویان، ساخت و طراحی تجهیزات و سیستم های صنعتی، دستیابی به دانش سلول های بنیادی، تقویت روحیه خودباوری و اعتماد به نفس در محققان، تدوین برنامه پنجم جهاد دانشگاهی متناسب با اقتصاد مقاومتی و تاسیس شرکت های دانش بنیان را از مهمترین رویکردها و برنامه های جهاد دانشگاهی خواند و برای ایفای نقش های جدید ملی از سوی این نهاد انقلابی اعلام آمادگی کرد.



مجموعه بیانات
رهبر معظم انقلاب اسلامی
در دیدار با مدیران و اعضای جواد انشاچی

گزیده بیانات





۱۳۹۳/۳/۱۹

■ جهاد دانشگاهی، نهادی مهم است زیرا هم با دانشگاه به عنوان سنگر علم و مرکز پیشرفت علمی کشور مرتبط است و هم دارای تلاش جهادی است و در مقابل موانع و مزاحمت ها از حرکت نمی ایستد.

■ باید جهت گیری و مسیر انقلابی جهاد دانشگاهی حفظ شود و نباید گذاشت این مرکز مهم علمی گرفتار آسیب های ناشی از پیچ و خم های سیاسی و «چپ روی ها» و «راست روی های» غلطِ عرصه سیاسی شود.

■ یکی از مهمترین کارها، در جهاد دانشگاهی تربیت شخصیت های مؤمن و برجسته علمی، با جهت گیریهای انقلابی و دلبسته به آرمانهای انقلاب، است.

■ مسئولان جهاد دانشگاهی باید با یک کار علمی و دانش بنیان، تعریف صحیحی از نحوه تعامل با دستگاههای مختلف و مدیریت این تعامل ارائه دهند تا براساس یک هدف گذاری دقیق بتوانند خانه های مربوط به خود را در جدول بزرگ نقشه علمی کشور، به درستی پُر کنند.

■ جهاد دانشگاهی باید با پرهیز از کارهای جزئی، به سراغ کارهای اساسی و عمیق تر برود.



۱۳۹۲/۲/۱۱

■ شما جهادگران دانشگاهی فرزندان وفادار انقلاب و امیدهای آینده کشورید و امیدوارم با توفیق پروردگار منشاء آثار بابرکت روز افزون باشید.





۱۳۸۶/۴/۲۵

- جهاد دانشگاهی، مولود مبارک انقلاب است.
- (جهاد دانشگاهی) جزو معدود رویش های اصلی خود انقلاب است.
- جهاد دانشگاهی مرکب از دو کلمه است دیگر: جهاد و دانشگاه؛ هم باید در آن جهاد باشد، هم باید متناسب با دانشگاه باشد.
- جهاد دانشگاهی باید حرفِ گزین، حرفِ برتر را به میدان بیاورد.
- بنده به جهاد دانشگاهی اعتقاد راسخ دارم.
- از اول تا حالا که ما جهاد دانشگاهی را شناختیم، براساس دین و تقوا بود. براساس دین و تقوا نگهش دارید.
- سعی کنید هویت جهاد تغییر پیدا نکند.
- نگذارید نهاد جهاد دانشگاهی تبدیل شود به یک هویت دیگر؛ به یک هویت غیردینی، غیرانقلابی.
- جهاد دانشگاهی از جاهایی است که ما به آن امید داریم برای آینده ی علمی کشور.





۱۳۸۳/۴/۱

■ در مورد جهاد دانشگاهی من اعتقاد من این است که این ترکیب - جهاد و دانشگاه، و تلفیق جهاد که یک امر ارزشی معنوی است با علم و دانش و با دانشگاه - دارای پیام است.

■ به نظر من جهاد دانشگاهی فقط یک نهاد نیست، بلکه یک فرهنگ است؛ یک سمت گیری و حرکت است. هرچه بتوانیم ما این فرهنگ را در جامعه گسترش دهیم و آن را پایدار و استوار کنیم، کشور را به سمت سربلندی و عزت و استقلال حقیقی بیشتر پیش برده ایم.

■ شاید فکر می شد که جهاد یک حرکت گلخانه ای است که برای نمونه سازی درست کردیم. امروز این گلخانه دارد فضای جامعه را به گلستان تبدیل می کند. نه تنها به نمونه سازی اکتفا نکرده، بلکه برکات خودش را دارد سرریز می کند.

■ شما اسمتان جهاد دانشگاهی است؛ روی این اسم تکیه کنید و به مقتضای این اسم تمسک کنید و حقیقتاً جهاد کنید.

■ این نهاد انقلابی است؛ انقلابی بمانید؛ توصیه ی مؤکد من بر این است.

■ شما به عنوان جهاد دانشگاهی، جزو بهترین مراکزی هستید که می توانید در این مساله (تحقیق و علم) اهتمام بورزید و احساس مسوولیت کنید؛ که البته می کنید. خوشبختانه من شاهد من و می بینم که پیشرفت شما در کار علم خیلی خوب بوده؛ دنبال کنید.

■ کار علمی تان را اهمیت بدهید. البته کار فرهنگی هم جداگانه به همین اندازه اهمیت دارد؛ کار روی ایمان، کار روی باورهای شجاعت آور عزت آور و آگاهی آور، که ایمان اسلامی، جامع همه ی اینهاست.





۱۳۷۸/۵/۱۴

■ بحمددا... آن نهال نورس امیدبخش (جهاد دانشگاهی)، امروز به درخت تناور و ثمربخشی تبدیل شده است .

■ شما در دانشگاه می‌توانید این جهاد را به بهترین وجهی انجام بدهید؛ یعنی گسترش فرهنگ عمیق اسلامی.



۱۳۷۶/۱۰/۸

■ همیشه به این مجموعه (جهاد دانشگاهی) امیدوار بوده‌ام، الان هم امیدوارم .

■ شماها سعی کنید آن ستونی را که جهاد دانشگاهی مجسم کننده ی همان ستون است ، با همان استحکام نگه دارید.

■ سعی کنید که پایه ی مستحکمی باشید که سقف انقلاب بر آن پایه قرار دارد و این پایه تکان نمی‌خورد.

■ همیشه در اعماق دل و جان خودم، محبت این مجموعه یعنی نهاد جهاد دانشگاهی و قدردانی نسبت به این جهاد را با خود همراه داشته‌ام.





۱۳۶۹/۶/۱۱

■ مسوولیت جهاد دانشگاهی، بالاتر از آن چیزی است که حتی به عنوان وظیفه ی جهاد دانشگاهی یعنی تحقیقات و کار فرهنگی معین شده است.

■ جهاد دانشگاهی می تواند آن دستگاهی باشد که این موج جوان تحصیل کن دانشجوی کشور را در داخل دانشگاه ها هدایت کند و این ها را به پختگی و کمال لازم برساند.

■ جهاد دانشگاهی را حفظ و تقویت کنید.

■ این جریان جهاد دانشگاهی ، یک جریان اصلی است که باید در دانشگاه ها بماند.

